



کلیسای مخفی

بررسی عهد جدید - قسمت سوم

دکتر دیوید پلات

27 آوریل 2007

ادامه رسالات عمومی

دوم پطرس

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان...

ما باید این مطالب رو به دقت مرور کنیم چون این قسمت دوم جائیه که جمع بندی میکنیم و نمیخوام این فرصت رو از دست بدیم. خوب به احتمال زیاد پطرس وقتی نامه دوم پطرس رو مینوشت منتظر اجرای حکم اعدام بود. میشه گفت چیزی مثل دوم تیموتائوس هست. پطرس باروزهای پایانی عمر خودش بر روی روبرو هست. موضوع اصلی در این کتاب رشد در فیض و شناخت هست. بارها و بارها بر شناخت و به اطمینانی که بواسطه شناخت مسیح بدست میاریم تأکید شده. و این رو بارها در این کتاب میبینیم.

آیات کلیدی:

این را بدانید که هیچیک از پیشگوییهای کتاب آسمانی، از فکر خود انبیاء تراوش نکرده ، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می کرد تا بازگو نمایند. دوم پطرس 20:1 - 21

اما ای عزیزان، این حقیقت را فراموش نکنید که برای خدا یک روز یا هزار سال تفاوتی ندارد. بنابراین، مسیح در وعده بازگشت خود تاخیری بوجود نیاورده است، گر چه گاهی اینگونه بنظر می رسد. در واقع، او صبر می کند و فرصت بیشتری می دهد تا گناهکاران توبه کنند، چون نمی خواهد کسی هلاک شود. بهر حال بدانید که روز خداوند حتما خواهد آمد، آن هم مثل زدی که همه را غافلگیر می کند. در آن روز، آسمانها با صدایی هولناک از بین خواهند رفت، و اجرام آسمانی در آتش نابود شده، زمین و هر چه در آن است، خواهد سوخت. پس

حال که می‌دانید هر چه در اطرافمان هست نابود خواهد شد، چقدر باید زندگی‌تان پاک و خدابسنده باشد. دوم پطرس 8:3 – 11

مقایسه موضوعات اول پطرس و دوم پطرس باهم جالب خواهد بود. در دوم پطرس، پطرس از جایگاهی مینویسه که

شخصاً تحت آزار و جفا هست. اما به اندازه اول پطرس در مورد رنج کشیدن در جفا صحبت نمی‌کند. اول پطرس در مورد اینکه شیطان چطور میتونه مثل شیری بیاد و کلیسا رو با جفا بیله صحبت می‌کند. چیزی که جالبه اینه که میبینیم در دوم پطرس او از این حرف میزنه که شیطان میتونه مثل یک مار بیاد و کلیسا را با تعالیم و نظریه های دروغین فریب بده. ما میبینیم که شیطان میتونه فرصت های مختلفی رو جهت تعقیب کلیسا بکار بگیره.

توصیه های عملی برای مطالعه . . .

ببینید، بافت کلی دوم پطرس را میتونیم به چهار بخش تقسیم کنیم. در دوم پطرس 1:1 – 11 ما در فیض او رشد میکنیم. در دوم پطرس 12:1 – 21 منتظر آمدن او هستیم در دوم پطرس 2 به داوری او اعتماد میکنیم. و در دوم پطرس 3 در کلام او میمانیم. فکر میکنم که مقایسه این کتاب با دوم تیموتائوس جالب باشه چون دو مردی رو میبینیم که با اعدام روبرو هستند. به توضیحات توجه کنید مخصوصاً وحی کتب مقدس در آخر باب یک دوم پطرس.

پس ملاحظه می‌کنید که ما آنچه را که انبیاء گفته‌اند، به چشم دیده و ثابت کرده‌ایم که گفتار آنان حقیقت دارد. شما نیز اگر به نوشته‌های ایشان با دقت بیشتری توجه نمایید، کار بسیار خوبی می‌کنید. زیرا کلام ایشان همچون نور بر همه زوایای تاریک می‌تابد و نکات مبهم و دشوار را برای ما روشن می‌سازد. با مطالعه و دقت در کلام ایشان، نور در وجودتان طلوع خواهد کرد و مسیح، این "ستاره صبح" در قلبتان خواهد درخشید. این را بدانید که هیچیک از پیشگویی‌های کتاب آسمانی، از فکر خود انبیاء تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می‌گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می‌کرد تا بازگو نمایند.

دوم پطرس 19:1 – 21

وحی کتب مقدس در واقع شرح چیزی هست که تمام انبیاء عهد قدیم در مورد مسیح اشاره کرده اند. این کتاب دوم پطرس بود.

اول یوحنا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان . . .

حالا میرسیم به نامه های یوحنا که عبارتند از سه نامه. اول یوحنا کتاب بزرگی هست. یوحنا پنج هدف رو مطرح میکنه: که ما میتونیم دوستی و رفاقت داشته باشیم، که از رابطه ما با مسیح صحبت میکنه.

باز می‌گوییم، ما با شما درباره چیزی سخن می‌گوییم که خودمان دیده‌ایم و شنیده‌ایم، تا شما نیز بتوانید مانند ما با خدای پدر و فرزندش عیسی مسیح، رابطه نزدیک داشته باشید.

اول یوحنا 3:1

که میتونیم شادی داشته باشیم.

اگر به آنچه در این نامه می‌نویسم عمل نمایید، شما نیز همچون ما از شادی لبریز خواهید شد. اول یوحنا 4:1

که میتونیم گناه نکنیم.

فرزندان عزیزم، اینها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر گناهی از شما سرزند، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است. او کسی است که تاوان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما بوجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد.

اول یوحنا 4:1

که میتونیم بر خطا غلبه کنیم، او بر فلسفه عرفانی اشاره میکنه شبیه چیزی که در کولسیان دیدیم.

این مطالب را درباره این اشخاص می‌نویسم تا بدانید که ایشان می‌خواهند شما را گمراه کنند.

اول یوحنا 26:2

که میتونیم اطمینان داشته باشیم.

این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم اکنون، از حیات جاوید

برخوردارید. اول یوحنا 13:5

در اول یوحنا 5 شما آزمایش اطاعت رو میبینید، آزمایش محبت آزمایش حقیقت، از کجا میدونیم؟ چون یوحنا به کسانی اشاره میکنه که ادعا میکنند ایمان آوردند اما تماماً به اون پشت کرده اند. و یوحنا از این صحبت میکنه که اونها هرگز مسیحیان واقعی نبودند. و شما میتونید اینو از آزمایشات مختلف متوجه بشید. موضوعات اصلی در اول یوحنا اینها هستند

که خدا نور هست، خدا محبت هست، خدا حقیقت هست. اول خدا نور هست. در سراسر این کتاب نور با تاریکی مقایسه شده.

اینست پیغامی که خدا به ما داده است تا به شما اعلام نماییم: خدا نور است و نوره‌ای تاریکی در او وجود ندارد. اول یوحنا 5:1

خدا محبت است. محبت در سراسر این کتاب با نفرت مقایسه شده.

اما کسی که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است. اول یوحنا 8:4

ما می‌دانیم که خدا چقدر ما را دوست می‌دارد، زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم. ما محبت او را باور می‌کنیم. خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند، با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست. اول یوحنا 16:4

و بعد خدا حقیقت هست که نقطه مقابل خطا هست.

از ابتدا، "کلمه" حیات‌بخش خدا وجود داشته‌است، من او را با چشمان خود دیده‌ام، و سخنان او را شنیده‌ام؛ من با دستهای خود او را لمس کرده‌ام. این کلمه حیات‌بخش از جانب خدا آمد و خود را بر ما آشکار فرمود؛ و ما شهادت می‌دهیم که او را دیده‌ایم، یعنی عیسی مسیح را. بلی، او حیات جاودانی است. او نزد خدای پدر بود، اما بعد خود را بر ما آشکار ساخت.

اول یوحنا 1:1 – 2

اما خدا چه شهادتی داده است؟ شهادت خدا اینست که او به ما حیات جاوید عطا کرده، و این حیات در فرزند او عیسی مسیح است. پس روشن است که هرکس مسیح را دارد، به این حیات نیز دسترسی دارد؛ اما هر که مسیح را ندارد، از این حیات بی‌بهره خواهد ماند. این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم اکنون، از حیات جاوید برخوردارید. اول یوحنا 11:5 – 13

دومتن کلیدی در اول یوحنا وجود دارند.

اینست پیغامی که خدا به ما داده است تا به شما اعلام نماییم: خدا نور است و نوره‌ای تاریکی در او وجود ندارد. پس اگر بگوییم که با خدا رابطه‌ای نزدیک داریم، اما در تاریکی روحانی و در گناه زندگی کنیم، دروغ می‌گوییم. اما اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می‌کنیم، آنگاه با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک داریم و خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک می‌سازد. اگر بگوییم گناهی نداریم، خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم. اما اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و از هر ناراستی پاک می‌سازد. این کار خدا کاملاً منصفانه و درست است، زیرا عیسی مسیح برای شستن و پاک کردن گناهان ما، جان خود را فدا کرده است. اگر ادعا کنیم که گناهی از ما سر

نزده است، دروغ می‌گوییم و خدا را نیز دروغگو می‌شماریم، زیرا خدا می‌فرماید که ما گناهکاریم. فرزندان عزیزم، اینها را به شما می‌نویسم تا نگاه نکنید. اما اگر گناهی از شما سرزند، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است. او کسی است که تاوان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما بوجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد. اول یوحنا 5:1 – 2:2

اما خدا چه شهادتی داده است؟ شهادت خدا اینست که او به ما حیات جاوید عطا کرده، و این حیات در فرزند او عیسی مسیح است. پس روشن است که هرکس مسیح را دارد، به این حیات نیز دسترسی دارد؛ اما هر که مسیح را ندارد، از این حیات بی‌بهره خواهد ماند. این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم اکنون، از حیات جاوید برخوردارید. اول یوحنا 11:5 – 13

توصیه های عملی برای مطالعه . . .

وقتی این کتاب رو میخونید ملاحظه کنید که یوحنا چگونه در سراسر کتاب از کلمات ساده ای استفاده میکنه که دارای معانی عمیقی هستند. کلمات بنیادی ساده ای که بارها و بارها استفاده کرده مثل محبت ، آگاهی، نگاه، پایداری، ماندن ، دنیا ، زندگی درست مثل آنچه در انجیل یوحنا دیدیم. وقتی که ما به دلایل توجیهی و یا دفاع کردن از چیزی فکر میکنیم ما تقریباً گامهای متوالی بر میداریم این نکته بر روی دیگری بنا میشه و دیگری بر روی یکی دیگه و ادامه پیدا میکنه. شما میبینید که اول یوحنا بیشتر موزون تنظیم شده نه بر اساس ترتیب دلایل و این الگویی تکرار شونده هست. دوباره به موضوعات قبلی بر میگردد. که بارها و بارها از اونها صحبت کرده. موضوعی رو مطرح میکنه و بعد سراغ موضوع دیگه ای میره و باز سراغ موضوع اول بر میگردد و این ریتم همچنان ادامه پیدا میکنه. چیزی مثل تکرار شعر – آهنگ – شعر – آهنگ یا بند گردان. این اول یوحنا هست.

دوم یوحنا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان . . .

دوم یوحنا آشکارا خیلی کوتاه تر هست که یا به یک کلیسای محلی نوشته شده یا خطاب به یک بانوی محترم در یک کلیسای محلی چون اشاره شده که به یک بانو نوشته شده. به هر حال این یکی از اون لحظات مبهم متداول در بعضی از این رساله هاست. ما واقعاً مطمئن نیستیم که او خطاب به چه کسی نوشته. اساساً چیزی که در این کتاب مطرح شده اینه که وقتی کسی سبب بروز مشکل در کلیسا میشه و کلیسا رو ترک میکنه به کجا میره؟ به

کلیسای دیگری میره و در اونجا مشکل به بار میاره و بعد به کلیسای دیگری و همینطور ادامه میده بیشتر تأکید یوحنا بر معلمین دروغین هست که در یک کلیسا با اونها برخورد میشه و بعد به کلیسای دیگری و کلیساهای دیگری میرند و در صدد فریب دادن کلیساهای مختلف هستند و از این رو یوحنا این نامه رو نوشته. تا کلیساها رو از تعالیم غلط که تجسم عیسی رو قبول نداشتند محافظت کنه و اونها رو تشویق میکنه از معلمان دروغین بپرهیزند.

آیات کلیدی:

اگر خدا را دوست داریم، باید حکم او را نیز اطاعت کنیم؛ و حکم او از ابتدا این بوده است که به یکدیگر محبت نماییم. مراقب معلمین فریبکار باشید، که تعدادشان روزبروز زیادتر می‌شود. ایشان قبول ندارند که عیسی مسیح بصورت یک انسان و با بدنی همچون بدن ما به این جهان آمد. بلی، اینان مخالف حقیقت و مسیح هستند. بنابراین، از ایشان برحذر باشید تا مانند آنان نشوید، مبادا اجر آسمانی خود را از دست بدهید که همه ما برای بدست آوردن آن، اینقدر تلاش کرده‌ایم. پس بکوشید تا پاداش خود را تمام و کمال از خداوند دریافت دارید. زیرا اگر از تعالیم مسیح منحرف شوید، از خدا نیز منحرف خواهید شد. اما اگر به تعالیم مسیح وفادار بمانید، خدا را نیز خواهید داشت. به این ترتیب، هم "پدر" را خواهید داشت و هم "پسر" را. اگر کسی برای تعلیم دادن کلام خدا نزد شما آید، اما به تعالیم مسیح ایمان نداشته باشد، او را به خانه خود راه ندهید و حتی به او سلام نکنید، زیرا اگر با این فاسدان معاشرت کنید، مانند آنان خواهید شد. دوم یوحنا 6 - 11

توصیه های عملی برای مطالعه . . .

او به اونها میگه حقیقت را بکار گیرند:

از طرف "یوحنا"، رهبر روحانی کلیسا به بانوی گرامی و فرزندانش، که نه فقط من، بلکه تمام کلیسا نیز ایشان را از صمیم قلب دوست دارند. این محبت بخاطر آن حقیقتی است که در وجود ما قرار دارد و تا ابد در ما خواهد ماند. فیض و آرامش و برکت از جانب خدای پدر و عیسی مسیح فرزند او به شما عطا شود، زیرا ما به او ایمان حقیقی داریم و یکدیگر را واقعا محبت می‌نماییم. چقدر شاد شدم که دیدم بعضی از فرزندان تو که در اینجا هستند، از حقیقت پیروی می‌کنند و احکام خدا را نگاه می‌دارند. بانوی گرامی، غرض از نوشتن این نامه اینست که آن حکم قدیمی را که خدا از ابتدا به ما داد، به یادتان بیاورم، و آن حکم اینست که ما مسیحیان یکدیگر را محبت نماییم. اگر خدا را دوست داریم، باید حکم او را نیز اطاعت کنیم؛ و حکم او از ابتدا این بوده است که به یکدیگر محبت نماییم. دوم یوحنا 1 - 6

و بعد از حقیقت محافظت کنند:

مراقب معلمین فریبکار باشید، که تعدادشان روز بروز زیادتر می‌شود. ایشان قبول ندارند که عیسی مسیح بصورت یک انسان و با بدنی همچون بدن ما به این جهان آمد. بلی، اینان مخالف حقیقت و مسیح هستند. بنابراین، از ایشان برحذر باشید تا مانند آنان نشوید، مبادا اجر آسمانی خود را از دست بدهید که همه ما برای بدست آوردن آن، اینقدر تلاش کرده‌ایم. پس بکوشید تا پاداش خود را تمام و کمال از خداوند دریافت دارید. زیرا اگر از تعالیم مسیح منحرف شوید، از خدا نیز منحرف خواهید شد. اما اگر به تعالیم مسیح وفادار بمانید، خدا را نیز خواهید داشت. به این ترتیب، هم "پدر" را خواهید داشت و هم "پسر" را. اگر کسی برای تعلیم دادن کلام خدا نزد شما آید، اما به تعالیم مسیح ایمان نداشته باشد، او را به خانه خود راه ندهید و حتی به او سلام نکنید، زیرا اگر با این فاسدان معاشرت کنید، مانند آنان خواهید شد. دوم یوحنا 7 - 11

در این کتاب کوتاه 14 بار بر کلمه حکم اشاره شده. بعد بر کلمه حقیقت و بعضی کلمات مهم دیگر اشاره شده اما واضحه که به آنها فرمان می‌دهد به حقیقت عیسی بچسبند و از اون محافظت کنند.

سوم یوحنا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان . . .

خوب به سوم یوحنا رسیدیم. این کوتاه ترین کتاب در کل کتاب مقدس هست. سوم یوحنا کوتاه ترین کتاب در کتاب مقدس هست و اساساً این کتاب از چهار شخصیت متفاوت تشکیل شده که اولیش خود یوحنا نویسنده کتاب هست. دومی گایوس گیرنده نامه هست. سومی دیوترفیس که سبب نوشته شدن نامه هست و بالاخره دیمتریوس که حامل نامه هست. اساساً داستان از این قراره که در اون روزها سفر های بشارتی متداول بوده و خادمینی که کلیسا به کلیسا می‌گشتند، از کلیساها در نقاط مختلف انتظار میرفت که از آنها پذیرایی کنند. رسم بر این بوده که خادمینی که به این مأموریت میرفتند نامه ای با خود می بردند که هویت آنها رو تأیید میکرد و میگفت که آنها نماینده کدام کلیسا هستند. این تمهیدی بود برای حفاظت در مقابل معلمین دروغین. خوب شما دیوترفیس رو میبینید که باعث بروز مشکلاتی شده. او میخواست شخص نخست کلیسا باشه، اما اقتدار یوحنا و سایر رهبران کلیسا ها رو ندیده میگرفت. و آنطور که وظیفه اش بود از خادمین پذیرایی نمیکرد. خوب موضوع اصلی مهمان نوازی در کلیسا هست. این در واقع چیزیه که سوم یوحنا در باره اش نوشته شده.

توصیه های عملی برای مطالعه . . .

بافت کلی رو در باره اون سه نفر میبینیم گایوس مسیحی موفق هست:

از طرف "یوحنا"، رهبر روحانی کلیسا به غایوس (گایوس) عزیز، که او را از صمیم قلب دوست می‌دارم. برادر عزیزم، از خدا می‌خواهم که در تمام کارهایت موفق باشی، و بدنت نیز مانند روح در سلامتی و تندرستی باشد. وقتی برادران مسیحی ما به اینجا آمدند، مرا بسیار شاد کردند، زیرا به من خبر دادند که به حقایق الهی وفاداری و مطابق احکام انجیل رفتار می‌کنی. برای من هیچ دلخوشی بزرگتر از این نیست که بشنوم فرزندانم این چنین از حقیقت پیروی می‌کنند. برادر عزیز، تو خدمت مفیدی برای خدا انجام می‌دهی، زیرا از خادمین او که از آنجا عبور می‌کنند، پذیرایی می‌کنی. ایشان در کلیسای ما از رفتار پر محبت تو تعریف‌ها کرده‌اند. خوشحالم که ایشان را با هدایا و کمک‌های خوب، روانه سفر می‌نمایی، زیرا ایشان برای خدمت به خداوند سفر می‌کنند و پیغام انجیل را به کسانی که هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌اند اعلام می‌نمایند، بدون آنکه کمکی از آنان دریافت دارند. پس بر ما مسیحیان واجب است که به چنین افراد کمک کنیم تا ما نیز در خدمت خداوند، با ایشان شریک گردیم.

سوم یوحنا 1 - 8

دیوتریس که مسیحی مغروری هست:

در این باره، قبلاً نامه‌ای مختصر به کلیسا نوشتم، اما "دیوتریس" مغرور، که می‌خواهد خود را رهبر مسیحیان آنجا جلوه دهد، مرا قبول ندارد و به سخنانم اعتنایی نمی‌کند. ۱۰ وقتی آمدم، اعمال نادرست او را برای تعریف خواهم کرد، تا بدانی چه اتهامات و سخنان زشتی به ما نسبت داده است. او نه فقط خودش خدمتگزاران کلیسا را که در سفر هستند، پذیرایی و خدمت نمی‌کند، بلکه دیگران را نیز وادار می‌کند تا ایشان را به خانه خود نپذیرند، و اگر کسی به سخن او توجه نکند، او را از کلیسا بیرون می‌کند. سوم یوحنا 8 - 9

دیمتریوس که یک مسیحی نیکو هست:

برادر عزیز، نگذار رفتار بد او در تو اثر نماید. تو فقط به نیکی کردن پرداز، زیرا کسی که نیکی می‌کند، نشان می‌دهد که فرزند خداست، اما کسی که همواره خواهان بدی باشد، نشان می‌دهد که خدا را نمی‌شناسد. اما همه شهادت خوبی درباره "دیمتریوس" می‌دهند و این شهادت راست است. ما نیز می‌گوییم که او شخص خوبی است و می‌دانی که راست می‌گوییم.

سوم یوحنا 11 - 12

این تقریباً خلاصه ای از بافت کلی بود.

یهودا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان...

دو کتاب باقی مانده. خالا میرسیم به یهودا کتب کوچک دیگری که یهودا برادر یعقوب و یا یهودا برادر عیسی نوشته. موضوع اصلی که بطور برجسته ای به چشم میخوره عبارت دفاع از ایمان هست. ای دوستان عزیز، بسیار مشتاق بودم در باره نجاتی که همه ما با هم در آن شریکیم به شما بنویسم، اما ناگهان احساس کردم که باید شما را تشویق کنم تا از ایمانی که خدا یک بار برای همیشه به مقدسین خود عطا کرده است دفاع نمایند، یهودا 3 مجاهده در راه ایمان، نبرد برای محافظت از ایمان. یهودا سربازانی رو به تصویر میکشه که به هر قیمتی سنگر را حفظ میکنند و هر کاری که لازمه میکنند تا از ایمان محافظت کنند و از اون دفاع نمایند.

آیات کلیدی:

ای دوستان عزیز، بسیار مشتاق بودم در باره نجاتی که همه ما با هم در آن شریکیم به شما بنویسم، اما ناگهان احساس کردم که باید شما را تشویق کنم تا از ایمانی که خدا یک بار برای همیشه به مقدسین خود عطا کرده است دفاع نمایند، یهودا 3

اکنون بر آن کسی که قادر است شما را از لغزش نگاهدارد و شما را بی عیب و شادمان در پیشگاه جلالش قرار دهد، یعنی بر خدای یکتا که به وسیله عیسی مسیح خداوند ما، ما را نجات داده است جلال و عظمت، قوت و قدرت باد، از ازل تا به امروز و از امروز تا به ابد، آمین. یهودا 24 و 25

توصیه های عملی برای مطالعه . . .

شما محکوم کردن معلمین دروغین رو بر مبنای هفت مثال از عهد قدیم در این کتاب ببینید.

اسرائیل: اگر چه شما این حقیقت را خوب می دانید باز هم می خواهم یادآور شوم که خداوند با وجود آن که قوم اسرائیل را به سلامتی از مصر بیرون آورد، بعدها آن کسانی را که ایمان نداشتند نابود ساخت. یهودا 5

فرشتگان سقوط کرده:

هم چنین خدا فرشتگانی را که مقام والای خود را حفظ نکردند و مکان اصلی خود را ترک نمودند در تحت ظلمت و در زنجیرهای ابدی نگهداشته است تا در روز داوری محکوم شوند. یهودا 6

سدوم و غموره:

همین طور شهرهای سدوم و غموره و شهرهای مجاور آنها که خود را به زناکاری و انحرافات جنسی تسلیم کردند و اکنون به عنوان عبرت در آتش جاودانی مجازات می شوند.

یهودا 7

میکائیل و موسی:

وضع این اشخاص هم امروز همین طور است. رؤیاهای و خواب هائی می بینند که آنها را به آلوده ساختن بدنهایشان وا می دارد. هیچ یک از مراجع قدرت را قبول ندارند و به موجودات سماوی اهانت می کنند. در حالتی که حتی میکائیل، رئیس فرشتگان، وقتی بر سرنعلش موسی با ابلیس مجادله می کرد جرأت نداشت او را با اهانت محکوم سازد، بلکه فقط گفت: « خداوند ترا ملامت کند ». ولی این اشخاص امروز به آنچه که نمی فهمند اهانت می کنند و آن چیزهائی که آنها مثل حیوانات از روی غریزه درک می کنند چیزهائی است که باعث هلاکت آنها می شود. یهودا 8 - 10

قانون، بلعام و قورح:

وای به حال آنها، زیرا همان راهی در پیش گرفته اند که « قانون » پیمود و مانند « بلعام » برای سود خود راه غلط را دنبال کرده اند و مانند « قورح » که علیه موسی طغیان کرد یاغی شده و از بین رفته اند. یهودا 11

خوب در این کتاب کوچک اشارات زیادی به عهد قدیم داریم. تصویر کلی اینه که یهودا اونها رو به چالش میکشه که از ایمان دفاع کنند. اما این را با تأکید بر قدرت مسیح برای حفظ کلیسای خودش تا به آخر انجام میده. یهودا بر قدرت مسیح برای حفظ کلیسای خودش تا به ابد تأکید میکنه. از کلیسا دفاع کنید، از ایمان دفاع کنید، از انجیلی که به شما سپرده شده دفاع کنید چونکه شما ناجی ای دارید که از نجات شما دفاع میکنه. از شما دفاع میکنه. پس بیایید از انجیلی که بما سپرده دفاع کنیم. این تصویری است که ما در کتاب یهودا میبینیم.

مکاشفه یوحنا رسول

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان . . .

بالاخره میرسیم به کتاب مکاشفه. مفهوم کلی این کتاب چیه؟ این کتاب چه نوع کتابی هست؟ و شما این کتاب رو چطور تعریف میکنید و طبق بندی میکنید؟ خوب اساساً در همون ابتدای کتاب ما میبینیم که در اون سه نوع نوشته بکار گرفته شده. اول نوشتجات الهامی یا وحی در

مکاشفه 1:1

این مکاشفه ای است که خدا به عیسی مسیح داده است تا آنچه که باید به زودی رخ دهد به بندگانش نشان دهد. او فرشته خود را به نزد بنده خویش یوحنا فرستاد ،

که نگاهی به آینده هست و در اون انواع تصاویر رو میبینید.

دوم نبوت هست.

و خوشا به حال کسی که این را می خواند و کسانی که به کلمات این نبوت گوش دهند و طبق آنچه در آن نوشته شده است عمل کنند ، زیرا بزودی همه این چیزها به وقوع خواهد پیوست.

مکاشفه 3:1

این کلامی است در باره امور آینده.

وسوم نامه هست یا رساله.

از جانب یوحنا به هفت کلیسا در استان آسیا تقدیم می شود ، از جانب آن کسی که هست و

بود و خواهد آمد و از جانب هفت روح که در پیشگاه تخت شاهی او هستند. مکاشفه 4:1

پس اساساً نتیجه ای که بهش میرسیم اینه که این کتاب هیچ همتایی نداره. و در هیچکدوم از طبقه بندی ها قرار نمیگیره و در نوع خودش کتاب بی نظیره. مکاشفه کتابی منحصر بفرد هست. اما توجه داشته باشید در سراسر تاریخ کلیسا مردم رویکرد های متفاوتی به تفسیر مکاشفه داشته اند. چطور این کتاب رو درک کنید؟ اساساً چهار رویکرد و نگرش اصلی وجود داره که من خیلی سریع اونا رو مرور میکنم. رویکرد اول را وقایع زمان نگارش میگویند. که بر اساس این دیدگاه کتاب مکاشفه کتابیه که مخاطبین اون فقط مسیحیان قرن یکم بوده اند. و کاربردش در زندگی های اونها در اون دوره بوده. و به همونجا ختم شده. دومین رویکرد دیدگاه تاریخی هست که میگه تمام کلیسا ها در طول تاریخ کارهایی رو انجام میدند که ما در کتاب مکاشفه میبینیم. در تاریخ کلیسا همیشه وسوسه هایی بوده که جزئیات وقایعی رو که در 2000 سال گذشته پیش آمده، به این آیه یا به اون آیه در مکاشفه ربط بدنند. این دیدگاه تاریخی هست. سومین دیدگاه اخلاقی یا سمبولیک هست. کسانی هستند که اعتقاد دارند مکاشفه نمادی هست از نبرد بین خیر و شر و یا نبرد بین مسیح و شیطان و ما باید بر این مبنا مکاشفه رو تفسیر کنیم. چهارمین دیدگاه آینده نگر هست. و اساس اعتقاد این دیدگاه اینه که این کتابی نبوتی هست و وقایعی را شرح میده که در آینده یا در آخر زمان اتفاق خواهد افتاد. اساساً روشی که من توصیه میکنم شما کتاب مکاشفه رو مطالعه کنید از دو دیدگاه هست. اولین دیدگاه اینه که مکاشفه چه مفهومی برای مسیحیان قرن اول داشته.

آیا برای اونها کاربرد داشته؟ بله. ما بزودی به اون خواهیم پرداخت. یک کاربرد عمده در موقعیت اونها و تأثیر اناجیل در اون موقعیت داشته. بعد - از همون ابتدا، کتاب مکاشف تصریح کرده که این کتاب کتابی نبوتی هست. پس نه تنها از این دیدگاه که چه مفهومی برای مسیحیان قرن اول داشته نگاه کنید بلکه از این جنبه نگاه کنید که این کتاب در کل برای تمامی دوره ها چی میگه. انواع رویداد ها در کتاب مقدس در عهد قدیم هست. ما نبوتی رو در باره وقایعی که اتفاق خواهد افتاد میبینیم و بعد در دوره ای میبینیم که بخشی از همون اتفاق به وقوع می پیونده اما تکمیل اون رو در مسیح میبینیم. این نگاهی اجمالی به متنی هست که ما اینجا میبینیم. پس این کتاب رو از دو جنبه مطالعه کنید. اولاً چه مفهومی برای اونها در اون دوره داشت و همینطور چه مفهومی برای تمامی انسانها در تمامی دوره ها داره. پس با در نظر گرفتن این دو جنبه مطالعه این کتاب رو شروع میکنیم.

این کتاب توسط یوحنا وقتی در پطموس در تبعید بود نوشته شده. بعد از نرون امپراتوری به نام دومیتیان به قدرت رسید. او جنایتکاری خونسرد بود و به شدت مسیحیان را مورد آزار قرار میداد. اگرچه نرون شخص وحشتناکی بود اما دومیتیان در جفای به کلیساها از او هم پیشی گرفت. و یوحنا هم به همین جهت در حدود نود سالگی در جزیره پطموس در تبعید بود. او احتمالاً خیلی پیر بود و این کتاب رو در تبعید نوشته زمانیکه هیچ امیدی نداشت که دیگه چیزی در زندگیش اتفاق بیفته و به این دلیل او این کتاب رو خطاب به مسیحیانی نوشته که در اون سرزمین در قرن اول تحت ستم بوده اند. تمام کتاب درباره انجیل و آینده پادشاهی خدا هست. موضوع اصلی کتاب مکاشفه عیسی مسیح هست. از مکاشفه 1 به خوبی پیداست که این کتاب در مورد برتری عیسی مسیح هست. و اینکه او در تمام تاریخ چگونه ظاهر شده. مکاشفه 1 - 5 و 19 - 22 بابهای کلیدی هستند.

به این ستایش که نثار عیسی مسیح بره خدا شده گوش کنید مکاشفه 9:5 - 10

ایشان برای او سرود جدیدی میخوانند و میگویند: "تو لیاقت داری که طومار را بگیری و سرش را باز کرده، آن را بخوانی، زیرا جانست را قربانی کردی و مردم را از هر نژاد و زبان و قوم و قبیله برای خدا خریدی، و ایشان را برای خدای ما کاهن ساختی و به سلطنت رساندی؛ از اینرو بر زمین سلطنت خواهند کرد."

به این متن در مکاشفه 19 گوش کنید:

سپس دیدم که آسمان گشوده شد. در آنجا اسبی سفید بود که سوارش "امین و حق" نام داشت، زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می کند. چشمان او مانند شعله های آتش بود و بر سرش تاجهای فراوانی قرار داشت. بر پیشانی اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش معنی آن را میدانست. او جامه خون آلودی در برداشت و لقبش "کلمه خدا" بود. لشکرهای آسمانی که لباسهای کتان سفید و پاک بر تن داشتند، سوار بر اسبهای سفید، به دنبال او

می‌آمدند. از دهان او شمشیر تیزی بیرون می‌آمد تا با آن قومهای بی‌ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پایهای خود، شراب خشم خدای توانا را در چرخشت خواهد فشرده. بر لباس و ران او نیز این لقب نوشته شده بود: "شاه شاهان و سرور سروران. مکاشفه 11:19 - 16

توصیه های عملی برای مطالعه...

وقتی این کتاب رو مطالعه میکنید چیزهایی هستند که باید به اونها توجه کنید. من میخوام به چند طریق شما رو تشویق کنم. اولاً در سراسر مکاشفه به عهد قدیم توجه داشته باشید. گاهی ما چنان غرق در این اندیشه میشیم که کتاب مکاشفه مربوط به آینده هست، و این یکسو نگری ما رو از دریافت معنی واقعی مکاشفه باز میداره. ارجاعاتی به عهد قدیم هست که گذشته رو مد نظر داره. از 404 آیه 278 مورد ارجاع به عهد قدیم هست. 278 آیه از 404 آیه به عهد قدیم اشاره میکنه. این کتابها عمدتاً عبارتند از مزامیر، دانیال، حزقیال، زکریا، پیدایش، اشعیاء، ارمیا و یونیل. واقعاً خارق العاده است که میبینیم پیدایش و مکاشفه چطور بعنوان افتتاحیه و اختتامیه کتاب مقدس ارائه شدند. من مطالب زیادی آماده کردم ولی در این درس از اون بحث نخواهم کرد اما باور نکردنیه که میبینیم این تصادفی نیست که چیزی رو که پیدایش گفته مکاشفه هم گفته و چیزی رو که مکاشفه میگه پیدایش هم میگه. همه با هم جور در میانند. ما واقعاً یکپارچگی کتاب مقدس رو در مکاشفه میبینیم.

ما خلقت زمین و آسمان رو در پیدایش 1 - 2 میبینیم. در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید. پیدایش 1:1 و خلقت آسمان و زمین جدید را در مکاشفه 21 - 22 میبینیم. مکاشفه 1:21 - 8

سپس زمین و آسمان تازه‌ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا هم دیگر خبری نبود. و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد. چه منظره باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد! از تخت، صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: "خوب نگاه کن! خانه خدا از این پس در میان انسانها خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق‌های خدا خواهند شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد بود. خدا تمام اشکها را از چشمان آنها پاک خواهد ساخت. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه ناله‌ای و نه دردی، زیرا تمام اینها متعلق به دنیای پیشین بود که از بین رفت." آنگاه او که بر تخت نشسته بود، گفت: "ببین! الان همه چیز را نو می‌سازم!" و به من گفت: "این را بنویس چون آنچه می‌گویم، راست و درست است. دیگر تمام شد! من الف و یاء و اول و آخر هستم. من به هر که تشنه باشد از چشمه آب حیات به رایگان خواهم داد تا بنوشد. هر که پیروز شود تمام این نعمت‌ها را به ارث خواهد برد و من خدای او خواهم بود و او فرزند من. ولی

ترسوها که از پیروی من رو بر میگردانند و کسانی که به من ایمان ندارند، فاسدان و قاتلان و زناکاران، جادوگران و دروغگویان، و کسانی که به جای خدا، بت میپرستند، جای همه در دریایچه‌ای است که با آتش و گوگرد می‌سوزد. این همان مرگ دوم است.

آدم اول بر زمین حکومت میکند:

سرانجام خدا فرمود: «انسان را شبیه خود بسازیم، تا بر حیوانات زمین و ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند. پیدایش 1:26

آدم ثانی در جلال حکمرانی میکند:

آنگاه او که بر تخت نشسته بود، گفت: «ببین! الان همه چیز را نو می‌سازم!» و به من گفت: «این را بنویس چون آنچه می‌گویم، راست و درست است. مکاشفه 5:21

شب و دریاها خلق شدند:

او روشنایی را «روز» و تاریکی را «شب» نامید. شب گذشت و صبح شد. این، روز اول بود. پیدایش 5:1 خدا خشکی را «زمین» و اجتماع آبها را «دریا» نامید و خدا این را پسندید. پیدایش 1:10

در مکاشفه 1:21 و 25 می‌گه دیگر شب و دریا نخواهند بود.

سپس زمین و آسمان تازه‌ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا هم دیگر خبری نبود... دروازه‌های شهر هرگز بسته نمی‌شود، چون در آنجا همیشه روز است و شبی وجود ندارد! مکاشفه 1:21 و 25

برای آدم عروس آورده شد:

خداوند فرمود: «شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی به وجود آورم.» آنگاه خداوند همه حیوانات و پرندگانی را که از خاک سرشته بود، نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نامهایی بر آنها خواهد گذاشت. بدین ترتیب تمام حیوانات و پرندگان نامگذاری شدند. پس آدم تمام حیوانات و پرندگان را نامگذاری کرد، اما برای او یار مناسبی یافت نشد. آنگاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده‌هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پُر کرد، و از آن دنده، زنی سرشت و او را پیش آدم آورد. آدم گفت: «این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم. نام او "نسا" باشد، چون از انسان گرفته شد.» به این سبب است که مرد از پدر و مادر خود جدا می‌شود و به همسر خود می‌پیوندد، و از آن پس، آن دو یکی می‌شوند. آدم و همسرش، هر چند برهنه بودند، ولی احساس خجالت نمی‌کردند. پیدایش 2:18 – 25

عروس مسیح آماده میشود:

سپس، آوای خوش آهنگ دیگری را شنیدیم، آوایی همچون سرود گروهی عظیم که ظنین آن چون امواج خروشان دریاها و غرش پیاپی رعدها بود، و می‌گفت: «هلویا، خدا را شکر! زیرا خداوند توانای ما سلطنت می‌کند. بیایید با یکدیگر وجد و شادی کنیم و او را احترام نماییم، زیرا زمان جشن عروسی بره فرا رسیده است. عروس او نیز خود را مهیا کرده، و به او اجازه داده شده تا پاکترین و سفیدترین و لطیفترین لباس کتان را بپوشد.» مقصود از کتان لطیف، همانا اعمال نیک خلق خداست. مکاشفه 6:19 - 8

درخت حیات در عدن:

خداوند انواع درختان زیبا در آن باغ رویانید تا میوه‌های خوش طعم دهند. او در وسط باغ، «درخت حیات» و همچنین «درخت شناخت نیک و بد» را قرار داد. پیدایش 2:9 سپس خداوند فرمود: «حال که آدم مانند ما شده است و خوب و بد را می‌شناسد، نباید گذاشت از میوه "درخت حیات" نیز بخورد و تا ابد زنده بماند.» پیدایش 3:22

درخت حیات در خلقت تازه:

و از وسط جاده اصلی می‌گذشت. دو طرف رودخانه، درختان حیات قرار داشت که سالی دوازده بار میوه می‌دادند یعنی هر ماه یک نوع میوه تازه. برگ‌هایش نیز شفاف‌بخش بود و برای درمان قومها بکار می‌رفت. مکاشفه 2:22

شیطان اولین دروغش را به زبان میاره:

مار از همه حیواناتی که خداوند به وجود آورد، زیرکتر بود. روزی مار نزد زن آمده، به او گفت: «آیا حقیقت دارد که خدا شما را از خوردن میوه تمام درختان باغ منع کرده است؟» پیدایش 3:1

هیچ چیزی که در آن دروغ باشد وارد شهر نخواهد شد:

اما هیچ ناپاکی وارد آن نخواهد و نه کسی که گفتارش ناراست و کارهایش زشت و پلید است، بلکه تنها آن کسانی که نامشان در دفتر حیات بره نوشته شده است به آن وارد میشوند. مکاشفه 21:27

مرگ و لعنت:

سپس خداوند به مار فرمود: «چون این کار را کردی از همه حیوانات ملعون تر هستی. بر روی شکمت راه خواهی رفت و در تمام مدت عمرت خاک خواهی خورد.» پیدایش 3:14

به داوری خدا بر شهر های شریر سدوم و غموره گوش کنید:

آفتاب داشت طلوع می کرد که لوط وارد صوغر شد. آنگاه خداوند از آسمان گوگرد مشتعل بر سدوم و غموره بارانید و آنها را با همه شهرها و دهات آن دشت و تمام سکنه و نباتات آن بکلی نابود کرد. پیدایش 23:19 – 25

دیگر لعنت و مرگ و اشک نخواهد بود:

دیگر چیزی که ملعون شده باشد در آن یافت نخواهد شد. تخت خدا و بره در آنجا خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود. مکاشفه 3:22

مبارزه بین مسیح و شیطان:

در بین تو و زن کینه می گذارم. نسل او و نسل تو همیشه دشمن هم خواهند بود. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه او را خواهی گزید. پیدایش 15:3

سرنوشت نهایی شیطان:

سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می کشند. مکاشفه 10:20

انسان از حضور خدا رانده شد:

پس خداوند او را از باغ عدن بیرون راند تا برود و در زمینی که از خاک آن سرشته شده بود، کار کند. پیدایش 3:23

آنگاه قانان از حضور خداوند بیرون رفت و در زمین نود (یعنی «سرگردانی») در سمت شرقی عدن ساکن شد. پیدایش 16:4

انسان روی خدا را در جلال میبیند:

همه او را رویرو خواهند دید و نام او را بر پیشانی های خود خواهند داشت. مکاشفه 4:22

برای درک این تشبیهات مکاشفه قدری کمک لازم هست. این وحش این شاخها چه چیزی در این کتاب جریان دارد؟ خوب چند مطلب هست. قبل از هر چیز یادتون باشه که تشبیهات چیزی خیالی هستند. البته منظورم این نیست که حقیقت ندارند بلکه منظورم اینه که اونا تصاویری هستند که چیزی را تداعی میکنند. اگه ما غرق این بشیم که این قسمت از وحش چه مفهومی دارد یا این بخش از اژدها یعنی چی و بر این چیزهای کوچک تمرکز کنیم، اونوقت شاید نکته اصلی رو که چرا اینها به این صورت توصیف شده از دست بدیم. پس خیلی روی اینها

متمرکز نشید. یوحنا مهمترین تصویر رو تفسیر میکنه. مهمترین تصویری که لازمه ما بدونیم همونهاییه که توضیح داده ما لازم نیست که حدس بزنیم کدام ها هستند او اینو به وضوح توضیح داده. به تصاویری که در سراسر کتاب ثابت هست توجه کنید. تصاویر خاصی هستند که نماد داوری هستند و تصاویری هستند که نماد برکت هستند. و ما میتونیم واقعاً بر اونها متمرکز بشیم و توجه کنیم. لازم بر چیزهایی که مرتباً تکرار شدند تمرکز کنیم و اونها رو مطالعه کنیم. بعد رویا را بصورت کلی و یکپارچه بررسی کنید نه اینکه بر همه جزئیات متمرکز بشید. بر تصویر کلی متمرکز بشید چون آگه سعی کنید این و اونو و هر چیزی رو تفسیر کنید مفهوم اصلی کتاب رو از دست خواهید داد. بعد در سراسر کتاب مجد و عظمت خدا را در مسیح نگاه کنید. دومیتیان ادعا کرده بود خداوند و خدا هست و یوحنا در جای جای کتاب میگه که تو خدا و خداوند نیستی. و با تصویری که از مسیح ارائه شده این را به صورت شفاف بیان میکنه. 44 بار بر تخت اشاره شده. و 37 بار به پادشاه، پادشاهی و حکومت اشاره شده و بر قدرت و اقتدار 40 بار اشاره شده و حاکمیت خدا در سراسر کتاب به چشم میخوره.

چرا خدا عهد جدید را بما داده؟

عهد جدید به عنوان الهیات

میرسیم به بخش دوم. ما نگاهی اجمالی به کتابهای عهد جدید انداختیم. حالا میخوایم ببینیم آنها چگونه گردآوری شدند. حالا اینجا بطور خلاصه عهد قدیم را به عهد جدید متصل میکنیم و میبینیم که اونها چطور جمع آوری شدند تا تصویر کاملی از مسیح بما ارائه بدن.

چرا خدا عهد عتیق را بما داده؟

چرا خدا عهد عتیق را بما داده؟ حالا از بُعد الهیاتی به اون فکر میکنیم. ما بوسیله برخی تصاویر تاریخی ادبی به اون فکر کردیم. حالا از بُعد الهیاتی فکر میکنیم. چرا خدا عهد عتیق را بما داده؟ دلیل فراگیر و اصلی اینه که خدا نشون بده چطور میخواد قوم خودش رو برای پادشاهی خودش باز خرید کنه و نجات بده. این نکته کلی عهد عتیق هست. اون نشون میده که چطور خدا برای باز گرداندن قوم خودش به پادشاهیش پا پیش میذاره.

حالا پادشاهی رو از سه جنبه شرح میدیم. اولاً پادشاهی خدا با قوم خدا سر و کار داره که پادشاه بر اونها حکومت میکنه. قومی که او بر اونها سلطنت و حکومت میکنه. مردمی که زیر حاکمیت پادشاه هستند. دوم محلی که پادشاه در اونجا حکومت میکنه. پس مردم رو داریم و محلی که خدا در اون حکومت میکنه. سوم پادشاهی مربوط هست به منظور خدا از

پادشاهی او . پس چیزی که ما در عهد عتیق میبینیم اینه که خدا قوم خودش رو برای منظوری به جایگاه خودش برمیگردونه. ما این رو در زمانهای مختلف دیدیم. این رو در ابتدای آفرینش دیدیم، این رو در سقوط آفرینش دیدیم در کاری که با پاتریارکها کرد، در داوران و انبیاء و کاری که در پادشاهان کرد در دوره اتحاد پادشاهی و تجزیه پادشاهی در عهد عتیق دیدیم. در کاری که اساساً در دوره هرج و مرج کرد و در سرتاسر عهد عتیق دیدیم که خدا قصد داره قوم خودش رو به جایگاه خودش برگردونه. حالا این تعریف عهد عتیق هست و وقتی به انتها میرسید هر چیزی بر روزی اشاره میکنه که خدا قوم خودش رو برای پادشاهی خودش نجات خواهد داد و سلطنتش بر تمام آفرینش برقرار خواهد شد. این چیزیه که عهد عتیق بر اون اشاره میکنه. اما عهد عتیق داستانی نیمه تمام هست. ما در انتهای ملاکی بلاتکلیف رها میشیم. ما چیزی دیگه ای میخوایم ولی در اونجا نیست. پس یک دوره 400 یا 500 ساله هست که طی آن چیزی از خدا نمیشنویم. و بعد وارد عهد جدید میشیم.

چرا خدا عهد جدید را بما داده؟

برای تمام کردن چیزی که عهد عتیق شروع کرده. عهد جدید چیزی رو که عهد عتیق شروع کرده بود به پایان رساند. زیبایی عهد جدید اینجاست که خدا قوم خودش رو برای پادشاهیش در مسیح نجات میده . تمام نقشه پادشاهی بر محور عیسی متمرکز هست. چیزی که ما در عهد جدید میبینیم وقتی به مردم ، محل و منظور در پادشاهی خدا فکر میکنید عیسی به طور کامل قوم خدا رو تداعی میکنه او نشون میده که قوم خدا چطور باید باشند. ما این رو در سراسر عهد جدید خواهیم دید. عیسی بهترین مکانی است که جلال خدا در اون ساکن میشه. و عیسی هدف خدا رو به عالیترین شکل اجرا میکنه. همه چیز در شخص عیسی مسیح و کار او تحقق پیدا میکنه. او پادشاهی در دل کتاب مقدس هست. همه چیز بر او اشاره میکنه. عهد قدیم به آینده و بر او اشاره میکنه. عهد جدید شرحی از او رو به ما میده. و کلیسا به گذشته و بر او اشاره میکنه. همه چیز بر مسیح متمرکز هست. هر چیزی در کتاب مقدس باید توسط مسیح و انجیل او تفسیر بشه. پادشاهی در دل کتاب مقدس. زیبایی این کتاب ، همه این کتابها در اینه که سایه های کمرنگ پادشاهی در عهد عتیق حالا با واقعیت باشکوه مسیح در عهد جدید منور شده. و این واقعیت باشکوهیه. این چیزیه که میخوایم مطالعه کنیم. این تصویری باورنکردنیه. کاری که میخوام بکنید اینه، شما در کتاب راهنماتون ضمیمه ای دارید که در بالاش نوشته شده پادشاهی خدا. این نمودار نقشه ما برای بررسی عهد جدید در این قسمت دوم خواهد بود. چیزی که بر روی این نمودار میبینید اینه که شما سه بخش متفاوت دارید. این نمودار نقشه در بالا با یک خط زمان تقسیم شده و در سمت چپ مسیح رو میبینید. تعریف عیسی را از متی تا یوحنا دارید. و بعد به صلیب میرسیم جایی که او میمیره، از مردگان بلند میشه و به آسمان صعود میکنه. بعد دوره کلیسا رو داریم و این شرحی هست که

ما از اعمال رسولان تا یهودا می بینیم. شرحی از کلیسا شامل رشد کلیسا، پیشرفت کلیسا و تشویق و دلگرمی کلیسا ها توسط یکدیگر. و بعد نگاه به آینده و به زمانی که مسیح برمیگردد. وقتی او برمیگردد، در مکاشفه میبینیم امیدی آغاز میشه که همه خلقت از نو بنا میشه. س ما مسیح ، کلیسا و خلقت رو داریم. این خط زمانی هست و با توجه به این خط زمانی میخواهیم به هر کدام از این دوره ها نگاهی بندازیم، و در هر کدام از این دوره ها به پادشاهی فکر کنیم. چه چیزی در مورد پادشاه آشکار شده و در انتها سنوالاتی خواهیم پرسید چون نمیخواهیم این دوره فقط یه مطالعه تئوریک عهد جدید باشه و به اطلاعات ما افزوده بشه. لازمه که ببینیم کلام چطور در ما زنده میشه و چطور زندگی ما رو تحت تأثیر قرار میده. پس نمیخواهیم فقط اطلاعات کسب کنیم و نمیخواهیم فقط ببینیم در زندگی ما چطور تعبیر میشه.

خدا چطور پادشاهیش را در عهد جدید آشکار میکنه؟

پس میخوام شما رو با سه سنوال بر اساس پیغام فراگیر عهد جدید به چالش بکشم. خدا چطور پادشاهیش را در عهد جدید آشکار میکنه؟ ما قطعه به قطعه به این نگاه خواهیم کرد. اولین چیزی که از نظر خواهیم گذراند اینه که او چطور از طریق انجیل پادشاهی ، پادشاهی خودش را آشکار میکنه. اون زمان مسیح هست. توسط انجیل پادشاهی. دومین مطلبی که بهش نگاه میکنیم اینه که خدا چطور پادشاهیش را توسط مأموریت پادشاهیش آشکار میکنه این چیزیه که ما در کلیسا خواهیم دید. از انجیل پادشاهی تا خدمت و مأموریت پادشاهی میرسیم و بعد با امید پادشاهی به پایان خواهیم برد.

انجیل پادشاهی

پادشاه آمده است.

خوب ما انجیل پادشاهی رو داریم، خدمت و مأموریت پادشاهی و بعد امید پادشاهی. من میخوام این سه را به سه طریق مختلف نشان بدیم. با انجیل پادشاهی شروع میکنیم. ازتون میخوام انجیل هاتون رو در بیارید. ما به چیزهای مختلفی در کتاب مقدس نگاه عمیقتری خواهیم کرد. در قسمت اول تا حدودی از نظر گذروندیم، در قسمت دوم نگاه بیشتری خواهیم کرد چون میخوام این چیزهایی که شرح داده میشه ببینید، بهتون فرصت میدم زیر بعضی آیه ها خط بکشید و در حاشیه آیتی که مربوط به موضوع صحبت ماست مطالبی یادداشت کنید .

انجیل پادشاهی. انجیل چی هست؟ اگه من از هر مسیحی ای بپرسم انجیل چی هست؟ احتمالاً جوابهای مختلفی خواهم گرفت. واقعاً انجیل چیه؟ کاری که باید بکنیم اینه که باید آیات رو مطالعه کنیم تا ببینیم انجیل اعلام هویت مسیح و کارهای او هست. این چیزیه که انجیل بر اون متمرکز هست. اون بر محور آمدن پادشاهی خدا متمرکز هست. اولین حقیقتی که ما میبینیم و من میخوام شما در انجیل پادشاهی ببینید اینه که پادشاه آمده است. و به این ترتیب

عهد جدید آغاز میشه. با شرحی که از پادشاه داده شده ما دیگر منتظر آمدن او نیستیم. پادشاه آمده. او الان در همین اتاقی که شما هستید حضور داره. این اولین حقیقتیه که در همون ابتدای عهد جدید خواهیم دید. ازتون میخوام به چند روش مختلف اونو ببینید. اولاً انتظار مردم عهد عتیق برای آمدن پادشاه. من متنی را از میکاه براتون خواهم خواند. میکاه 1:5 - 5 میگه:

ای لشکر اورشلیم آماده شوید، زیرا شسر محاصره شده است! دشمن به رهبر اسرائیل ضربه خواهد زد حالا یادتون باشه این نبی هست که در مورد چیز های آینده صحبت میکنه

خداوند می فرماید: « ای بیت لحم افراته، هر چند که در بیابان روستای کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو کسی برای من طلب خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود. « خدا قوم خود را به دست دشمن تسلیم خواهد کرد تا زمانی که زن حامله فرزند خود را به دنیا آورد. آنگاه بقیه قوم اسرائیل که در اسارت هستند باز خواهند گشت و به برادران خود ملحق خواهند شد، وقتی او بیاید با قوت و جلال خداوند، خدای خود گله خود را خواهد چرانید. قوم او در امنیت زندگی خواهند کرد، و او صلح و سلامتی به ارمغان خواهد آورد میکاه 1:5 - 5 الف

این نبوتی در عهد قدیمه که به عهد جدید اشاره میکنه. و اونها در انتظار این بودند. در دنیای یهود از پایان عهد قدیم تا حتی قرن اول اونها در انتظار شاه موعود بودند که خواهد آمد و اونها رو نجات خواهد داد مخصوصاً در دوره حکومت رومیان. فکر میکردند که چطور از دست رومیان نجات پیدا خواهند کرد؟ در انتظار پادشاهی بودند که بیاد و پادشاهی خدا رو بر پا کنه و بر سراسر روم حکومت کنه. بر همه دنیا. اونها آماده بودند که نجات پیدا کنند. به این دلیل بود که منتظر تحقق نبوتی بودند که گفته بود میکاه 2:5 - 4

ای بیت لحم افراته، هر چند که در بیابان روستای کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو کسی برای من طلب خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود. « خدا قوم خود را به دست دشمن تسلیم خواهد کرد تا زمانی که زن حامله فرزند خود را به دنیا آورد. آنگاه بقیه قوم اسرائیل که در اسارت هستند باز خواهند گشت و به برادران خود ملحق خواهند شد.

مثالی دیگر:

ای دختر صهیون ترنم نما! ای اسرائیل آواز شادمانی بده! ای دختر اورشلیم به تمامی دل شادمان شو و وجد نما! خداوند عقوبت های تو را برداشته و دشمنانت را دور کرده است. یهوه پادشاه اسرائیل در میان تو است پس بار دیگر بلارا نخوای دید. در آن روز به اورشلیم گفته خواهد شد که مترس! ای صهیون دستهای تو سُست نشود! یهوه خدایت در میان تو قدیر

است و نجات خواهد داد. او بر تو شادی بسیار خواهد نمود و در محبت خود آرامی خواهد یافت و با سرودها بر تو شادی خواهد نمود. صفنيا 14:3 - 17

و يهوه بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز يهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد. و تمامی زمین از جَبَع تا رَمُون که بطرف جنوب اورشلیم است متبدل شده، مثل عَرَبَه خواهد گردید و (اورشلیم) مرتفع شده، در مکان خود از دروازه بنيامين تا جای دروازه اول و تا دروازه زاویه و از برج حَنْثِيل تا چرخشت پادشاه مسکون خواهد شد. زکریا 9:14 - 10

پس این انتظار مردم در عهد قدیم بود. بعد به عهد جدید و به معرفی پادشاه میرسیم. میخوام باهم به متی باب یک مراجعه کنیم و میخوام معرفی پادشاه رو در اینجا ببینید. در سراسر عهد قدیم آیاتی هستند که به آمدن پادشاه اشاره میکنند. و ما در مورد بعضی ها صحبت خواهیم کرد اما هیچکدام به اندازه این حقایق رو نشون نمیدند. آیات زیادی در عهد قدیم هستند که به آمدن مسیح در آینده اشاره دارند. خوب در معرفی پادشاه در متی یک او شجره نامه عیسی مسیح رو اینطور عنوان میکنه عیسی مسیح پسر داود پسر ابراهیم این جمله ایه پر از حقایق الهیاتی. او از ابراهیم شروع میکنه و در ادامه شجره نامه عیسی رو عنوان میکنه. او عمداً از ابراهیم شروع میکنه یادتون باشه که متی داره خطاب به قوم یهود مینویسه. او پادشاه کیه؟ قوم یهود. پس او با ابراهیم شروع میکنه اما فقط بر ابراهیم تأکید نمیکند او تأکید میکنه که او پسر کی هست؟ داود، پادشاه مسح شده ای که واسطه عهد بود. او میگه مسیح پسر داود هست و ما میبینیم متی 1:2 - 6 شجره نامه هست و ما از این رد میشیم و کارمون رو آسون میکنیم و لزومی نمیبینیم همه کلمات رو بخونیم. از آیه 2 رد میشیم و به آیه 6 میرسیم و میبینیم که اینطور شروع میشه: ... و یسی پدر داود پادشاه بود و دوباره میگه داود پدر سلیمان بود. و تا به آیه 16 ادامه میده و میگه: و یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود و مریم عیسی ملقب به مسیح را بدنیا آورد. این تصویری که نشون میده پادشاه آمده.

شجره نامه عیسی مسیح، پسر داود، پسر ابراهیم: ابراهیم پدر اسحاق بود و اسحاق پدر یعقوب و یعقوب پدر یهودا و برادران او بود. و یهودا پدر فارص و زارح «از تامار» و فارص پدر حصرون و حصرون پدر ارام و ارام پدر عمیناداب و عمیناداب پدر نحشون و نحشون پدر شلمون و شلمون پدر بوعز «از راحاب» و بوعز پدر عوبید «از روت» و عوبید پدر یسی و یسی پدر داود پادشاه بود. داود پدر سلیمان بود «از زوجه اوریام» و سلیمان پدر رحبعام و رحبعام پدر ابیاه و ابیاه پدر آسا و آسا پدر یهوشافاط و یهوشافاط پدر یورام و یورام پدر عزیا و عزیا پدر یوتام و یوتام پدر آحاز و آحاز پدر حزقیاه و حزقیاه پدر منسی و منسی پدر آمون و آمون پدر یوشیاه بود. و یوشیاه پدر یکنیا و برادران او بود. در این زمان یهودیان به بابل تبعید شدند. پس از تبعید یهودیان به بابل یکنیا پدر سالتنیل شد و سالتنیل پدر زر و بابل و زروبابل پدر ابیهود و ابیهود پدر ایلیاقیم و ایلیاقیم پدر عازور و عازور پدر

صادوق و صادق پدر یاکین و یاکین پدر ایلیهود و ایلیهود پدر ایلعازرو ایلعازر پدر متان و متان پدر یعقوب و یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود و مریم عیسی مقلب به مسیح را بدنیا آورد. به این ترتیب از ابراهیم تا داود چهارده نسل و از داود تا تبعید یهودیان به بابل چهارده نسل و از زمان تبعید تا مسیح چهارده نسل است. متی 1:1 - 17

مثال های دیگر:

یوسف هنوز در این فکر بود که فرشته خداوند در خواب به او ظاهر شد و گفت ای یوسف پسر داود، از بردن مریم به خانه خود نترس. زیرا آنچه در رحم او است از روح القدس است. متی 20:1

عیسی در زمان سلطنت «هیرودیس»، در شهر «بیت لحم» یهودیه بدنیا آمد. در آن هنگام چند مجوس ستاره شناس از مشرق زمین به اورشلیم آمده، پرسیدند: «کجاست آن کودکی که باید پادشاه یهود گردد؟ ما ستاره او را در سرزمینهای دور دست شرق دیده ایم و آمده ایم تا او را بپرستیم.» متی 2:1 - 2

ای بیت لحم، ای شهر کوچک، تو در یهودیه، دهکده ای بی ارزش نیستی، زیرا از تو پیشوایی ظهور خواهد کرد که قوم بنی اسرائیل را رهبری خواهد نمود. متی 6:2

ویاکسی شراب تازه را در مشك كهنه نمی ریزد، چون در اثر فشار شراب، مشك پاره می شود؛ هم مشك از بین می رود و هم شراب ضایع می شود. شراب تازه را باید در مشك تازه ریخت، تا هم شراب سالم بماند، هم مشك. متی 9:17

در آنجا یک زن کنعانی نزد او آمد و التماس کنان گفت: «ای سرور من، ای پسر داود پادشاه، به من رحم کنید! دختر من سخت گرفتار روحی پلید شده است. روح، یک لحظه او را راحت نمی گذارد.» متی 22:15

وقتی عیسی و شاگردانش از شهر اریحا خارج می شدند، جمعیت انبوهی به دنبال ایشان بر راه افتاد. در همین هنگام، دو کور که کنار جاده نشسته بودند، چون شنیدند که عیسی از آنجا می گذرد، صدای خود را بلند کرده، فریاد زدند: «ای سرور ما، ای پسر داود پادشاه، بر ما رحم کنید.» مردم کوشیدند ایشان را ساکت سازند، اما آنان صدای خود را بلندتر و بلندتر می کردند. متی 29:20 - 31

مردم از جلو و از پشت سر حرکت می کردند و فریاد می زدند: «خوش آمدی، ای پسر داود پادشاه! متبارک باد کسی که به نام خداوند می آید. خدای بزرگ او را متبارک سازد.»

متی 9:21

اما کاهنان اعظم و علمای مذهبی نیز این معجزات را می‌دیدند، و می‌شنیدند که کودکان فریاد زده ، می‌گویند: «خوش آمدی ، ای پسر داود پادشاه ! متی 15:21

در همان روز، یک دسته از صدوقی‌ها که معتقد بودند مرگ پایان زندگی است و قیامت در کار نیست ، نزد عیسی آمدند و پرسیدند: متی 23:22

در ششمین ماه بارداری الیزابت ، خدا فرشته خود جبرائیل را به ناصره ، یکی از شهرهای استان جلیل فرستاد، تا وحی او را به دختری به نام مریم برساند. مریم نامزدی داشت به نام یوسف ، از نسل داود پادشاه . جبرائیل به مریم ظاهر شد و گفت : “سلام بر تو ای دختری که مورد لطف پروردگار قرار گرفته ای ! خداوند با توست !” مریم سخت پریشان و متحیر شد، چون نمی‌توانست بفهمد منظور فرشته از این سخنان چیست . فرشته به او گفت : “ای مریم ، نترس ! زیرا خدا بر تو نظر لطف انداخته است ! تو بزودی باردار شده ، پسری بدنیا خواهی آورد و نامش را عیسی خواهی نهاد. او مردی بزرگ خواهد بود و پسر خدا نامیده خواهد شد و خداوند تخت سلطنت جدش داود را به او واگذار خواهد کرد تا برای همیشه بر قوم اسرائیل سلطنت کند. سلطنت او هرگز پایان نخواهد یافت ! لوقا 1:26 – 33

این مژده درباره فرزند خدا، یعنی خداوند ما عیسی مسیح می‌باشد که همچون انسان از نسل داود نبی به دنیا آمد؛ رومیان 3:1

او همان پادشاه مسح شده یا مسیحی است که ما بدنبالش هستیم. متی 1 او رو به این ترتیب معرفی می‌کند . و بعد به آیه 20 میرسید که می‌گه – میتونید زیر پسر داود یا پسر ابراهیم در آیات خط بکشید به آیه 20 نگاه کنید می‌گه: هنوز در این فکر بود که فرشته خداوند در خواب به او ظاهر شد... اینجا داره از یوسف صحبت می‌کند – وگفت ای یوسف پسر داود... اینجا تأکید می‌کند که او در نسب نامه داود هست. بعد به متی 2:12 میرسید ، میکا 5 رو به یاد می‌آید؟ وقتی عیسی در بیت لحم بدنیا آمد... تصادفی بود؟ خدا با حاکمیت خودش همه این کارها رو برای جلال خودش انجام میده.

عیسی در زمان سلطنت «هیرودیس»، در شهر «بیت لحم» یهودیه بدنیا آمد. در آن هنگام چند مجوس ستاره شناس از مشرق زمین به اورشلیم آمده ، پرسیدند: «کجاست آن کودکی که باید پادشاه یهود گردد؟ ما ستاره او را در سرزمینهای دوردست شرق دیده ایم و آمده ایم تا او را بپرستیم . متی 1:2 – 2

وقتی به آیه 6 میرسید میبینید که او از میکا 5 نقل می‌کند

ای بیت لحم افراشته، هر چند که در یهودا روستای کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود . میکا 5:2

او همان پادشاه مسیح هست که از ابتدای عام منتظرش بوده اند. حالا در سرتاسر متی ما همه این آیات رو دوباره نخوانیم خوند در 17:9 و 22:15 و غیره بر پسر داود بودن و پسر ابراهیم بودن او تأکید شده. او پسر داود هست او همون پادشاهیه که وعده داده شده خواهد آمد. از همون ابتدا متی تصریح میکنه که این همون پادشاهیه که ما منتظرش بودیم. تمام این مطالبی که بهش معرفی پادشاه گفتیم در همون چند باب اول هر کدوم از اناجیل اومده. ما حتی وسط این کتابها یا آخر اونها رو مطالعه نمیکنیم. عیسی چطور به مردم معرفی شده اولاً به عنوان پادشاه مسح شده یا مسیح. و درثاتی او بعنوان خدا معرفی شده. او خداست به متی 20:1 – 23 نگاه کنید.

اما چون او در این چیزها تفکر میکرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: «ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است، از روح القدس است. و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.» و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد «که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما.»

کی در عیسی با ماست؟ خدا با ماست پس او نه تنها پادشاه هست خدا هم هست.

مثالهای دیگر:

در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، «کلمه» وجود داشت و نزد خدا بود. ۲ او همواره زنده بوده، و خود او خداست. ۳ هر چه هست، بوسیله او آفریده شده و چیزی نیست که آن را نیافریده باشد. ۴ زندگی جاوید در اوست و این زندگی به تمام مردم نور می بخشد. ۵ او همان نوری است که در تاریکی می درخشد و تاریکی هرگز نمی تواند آن را خاموش کند. ۶ خدا یحیای پیامبر را فرستاد تا این «نور» را به مردم معرفی کند ۷ و مردم به او ایمان آورند. ۸ یحیی آن نور نبود، او فقط شاهدهی بود تا نور را به مردم معرفی کند. ۹ اما بعد، آن نور واقعی آمد تا به هرکس که به این دنیا می آید، بتابد. ۱۰ گر چه جهان را او آفریده بود، اما زمانی که به این جهان آمد، کسی او را نشناخت. ۱۱ حتی در سرزمین خود و در میان قوم خود، یهودیان، کسی او را نپذیرفت. ۱۲ اما او به تمام کسانی که به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا گردند؛ بلی، فقط کافی بود به او ایمان آورند تا نجات یابند. ۱۳ این اشخاص تولدی نو یافتند، نه همچون تولدهای معمولی که نتیجه امیال و خواسته های آدمی است، بلکه این تولد را خدا به ایشان عطا فرمود. ۱۴ «کلمه خدا» انسان شد و بر روی این زمین و در بین ما زندگی کرد. او لبریز از محبت و بخشش و راستی بود. ما بزرگی و شکوه او را به چشم خود دیدیم، بزرگی و شکوه فرزند بی نظیر پدر آسمانی ما، خدا.

یوحنا 1:1 – 14

او بعنوان آدم جدید معرفی شده. منظور از این چیه؟ خوب با هم به لوقا مراجعه کنیم و ببینیم او عیسی رو چطور معرفی کرده. به لوقا 3 نگاه کنید. شاید لازم باشه اینجا حاشیه نویسی مختصری بکنید. عیسی آدم جدید هست. توی انجیلتون علامت بذارید تا وقتی میخونید به درک مطلب کمک کنه. در لوقا 23:3 - 28 او نسب نامه عیسی رو میده. او کاملاً برعکس متی این کار رو میکنه از آیه 23 شروع میکنه و میگه:

عیسی تقریباً سی ساله بود که خدمت خود را آغاز کرد. مردم او را پسر یوسف می دانستند. پدر یوسف، هالی بود. پدر هالی، متات بود. پدر متات، لاوی بود. پدر لاوی، ملکی بود. پدر ملکی، ینا بود. پدر ینا، یوسف بود. پدر یوسف، متاتیا بود. پدر متاتیا، آموس بود. پدر آموس، ناحوم بود. پدر ناحوم، حسلی بود. پدر حسلی، نجبی بود. پدر نجبی، مانت بود. پدر مانت، متاتیا بود. پدر متاتیا، شمعی بود. پدر شمعی، یوسف بود. پدر یوسف، یهودا بود. پدر یهودا، یوحنا بود. پدر یوحنا، ريسا بود. پدر ريسا، زروبابل بود. پدر زروبابل، سائلتی نیل بود. پدر سائلتی نیل، نیری بود. پدر نیری، ملکی بود. پدر ملکی، ادی بود. پدر ادی، قوسام بود. پدر قوسام، ایلمودام بود. پدر ایلمودام، عیر بود. لوقا 23:3 - 28

عیسی تقریباً سی ساله بود که خدمت خود را آغاز کرد. مردم او را پسر یوسف می دانستند. لوقا به عقب برمیگردد ولی به ابراهیم ختم نمیکنه بلکه به گذشته برمیگردد و در آیه 38 میگه پسر انوش، پسر شیث، پسر آدم، پسر خدا. چرا لوقا این کار رو میکنه؟ او خطاب به چه کسی مینویسه؟ او اساساً به غیر یهودیان مینویسه مخاطبین اصلی او یهودیان نیستند. پس اونسب نامه شخص عیسی مسیح را تا به اولین انسان آدم به عقب برمیگردونه. حالا چرا لوقا این کار را در لوقا 1 یا لوقا 2 انجام نمیده؟ چرا آنطور که متی انجام داده او هم از باب یک شروع به معرفی مسیح نمیکنه؟ خوب او در باب 3 اینکار را کرده و بعد در لوقا 1:4 شرحی ارائه میده که در اون عیسی به بیابان میره که چی بشه؟ که وسوسه بشه.

عیسی که پر از روح القدس شده بود، با هدایت همان روح، از رود اردن به بیابانهای یهودیه رفت. لوقا 1:4

ما اینجا این تصویر را داریم که نسب عیسی به آدم میرسه. نویسنده سعی میکنه نسب او را تا به آدم برسونه. همون آدم که در وسوسه اش شکست خورد و در اثر شکست او تمام کسانی که در این اتاق نشسته اند و تمام مردم دنیا در سرتاسر تاریخ با طبیعتی گناه آلود به دنیا آمدند. این طبیعت گناه آلود ما میراثی از آدم هست.

رومیان 12:5 - 21 :

وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه، همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسانها همه گناه کردند.

یقین داریم که گناه آدم تمام این مسایل را بوجود آورد، زیرا اگر چه مردم از زمان آدم تا موسی گناه می کردند، اما خدا در آن زمان ایشان را بسبب زیر پا گذاشتن احکام خود محکوم نمی کرد، چون هنوز احکام و دستورات خود را به ایشان عطا نکرده بود. باوجود این، آنها نیز همه مردند، اما نه به همان علتی که آدم مرد، زیرا ایشان مانند او از میوه درخت ممنوع نخورده بودند). چه تفاوت بزرگی است میان آدم و مسیح موعود که می بایست ظهور کند! و چه فرق بزرگی است میان گناه آدم و بخشش خدا! آدم با گناه خود، باعث مرگ عده بسیاری شد؛ اما عیسی مسیح از روی لطف خدا، سبب بخشش گناهان بسیاری گشت. یک گناه آدم موجب شد که عده بسیاری محکوم به مرگ گردند، درحالی که مسیح گناهان بسیاری را به رایگان پاک می کند و باعث می شود خدا ایشان را "بی گناه" بشناسد. در نتیجه گناه یک انسان یعنی آدم، مرگ و نابودی همه چیز را در چنگال خود گرفت؛ اما تمام کسانی که هدیه خدا یعنی آمرزش و پاکی کامل از گناه را می پذیرند، از آن پس شریک حیات و سلطنت یک انسان دیگر یعنی عیسی مسیح می گردند. بلی، گناه آدم برای همه محکومیت به همراه آورد، ولی عمل شایسته و مقدسی که مسیح انجام داد، همه را از محکومیت رهایی می دهد و به ایشان زندگی می بخشد. آدم باعث شد که عده زیادی گناهکار شوند، اما مسیح باعث شد که خدا بسیاری را "بی گناه" بحساب آورد، زیرا از خدا اطاعت کرد و بر روی صلیب کشته شد. پس ده فرمان موسی چه نقشی در نجات انسان از گناه دارد؟ ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلم شود که تا چه حد احکام خدا را زیر پا گذاشته اند. اما هر چه بیشتر به طبیعت گناهکار خود پی می بریم، بیشتر لطف و بخشش بی پایان خدا را درک می کنیم. قبلا گناه بر انسان حکومت می کرد و باعث مرگ می شد، اما اکنون لطف و مهربانی خدا حکومت می کند تا نه تنها ما را در نظر او شایسته سازد، بلکه بوسیله خداوند ما عیسی مسیح، ما را به زندگی جاوید برساند.

خوب آدم جدیدی به صحنه میاد به بیابان میره و وسوسه میشه و حدس بزنید چی میشه؟ او تسلیم نمیشه. این آدم جدیدیه که قادره که بهای گناهان ما را بپردازه، چون که او در تاریخ بشریت در ذریت و سلالة آدم قدیم تنها کسیه که شکست نخورد و سقوط نکرد. همه ما شکست خوردیم، تک تک هر کدام از ما شکست خوردیم و گناه کردیم و این باعث شد که ما هرگز نتوانیم خودمون رو نجات بدیم. اما عیسی آدم جدیدی هست. او آدم جدیدی هست و نماینده ما میشه و خدا عدالت او رو به حساب ما میذاره. رومیان 5:12 - 21 نشان دهنده این حقیقت باور نکردنی هست. پس ما عیسی را بعنوان آدم جدید میبینیم که شجره نامه او تا به پیدایش بر میگردد.

مثالهای دیگر:

اما واقعیت اینست که مسیح پس از مرگ، دوباره زنده شد؛ او نخستین فرد از میان کسانی است که در روز قیامت زنده خواهند شد. همانطور که به علت گناه "آدم"، مرگ به این دنیا

آمد، در اثر کار نجات بخش مسیح نیز زندگی پس از مرگ نصیب ما شد. همه ما می میریم، زیرا از نسل گناهکار آدم هستیم، چون هر جا گناه باشد، مرگ نیز وجود دارد. اما همه کسانی که از آن مسیح می باشند، پس از مرگ بار دیگر زنده خواهند شد.

اول قرن‌تینان 20:15 – 22

کتاب آسمانی می فرماید که به اولین انسان یعنی به آدم، بدنی طبیعی و نفسانی داده شد. اما آدم آخر، یعنی مسیح بسیار برتر است زیرا او روح حیات بخش می باشد. پس، نخست باید این بدن نفسانی را داشته باشیم، سپس در آینده خدا بدن روحانی و آسمانی را به ما خواهد داد. آدم اول از خاک زمین آفریده شد، اما آدم دوم یعنی مسیح، از آسمان آمد. هر یک از ما انسانها، بدنی خاکی داریم، شبیه بدن آدم. همچنین آنانی که از آن مسیح می گردند، همانند او بدنی آسمانی خواهند یافت. هم‌اتطور که در حال حاضر هر یک از ما بدنی داریم مانند بدن آدم، روزی هم بدنی خواهیم داشت، مانند بدن مسیح. اول قرن‌تینان 45:15 – 49

بعد او اسرائیل حقیقی هست از نسل ابراهیم به متی باب 2 برگردید، میخوام دوباره به متی 2 نگاه کنید. متأسفم که ما اکثراً مجبوریم مرتب به عقب برگردیم و باز پیش بریم اما میخوام اینو ببینید که او چطور به اسرائیل ربط پیدا میکنه. و حتی چطور به داستان وسوسه که در لوقا 4 و همینطور متی 4 بود ربط پیدا میکنه. در متی 14:2 – 15 این زمانیه که اونا به مصر فرار کردند و اینطور می‌گه:

یوسف همان شب مریم و کودک را برداشت و بسوی مصر رفت، و تا زمان مرگ هیرودیس در آنجا ماند. یکی از انبیاء قرن‌ها پیش درباره این موضوع پیشگویی کرده و گفته بود: «پسر خود را از مصر فرا خواندم. خوب حالا میدونید از کدوم کتاب و نبی اینجا نقل قول می‌کنه؟ از کتاب هوشع نقل میکنه از هوشع 1:11

زمانی که اسرائیل طفل بود او را مثل پسر خود دوست میداشتم و او را از مصر فرا خواندم. وقتی به هوشع برگردید میبینید که اینجا خدا از برگرداندن قوم خدا از مصر صحبت میکنه و در واقع متی در اینجا عیسی را با قوم خدا برابر میکنه او مثال عالی و کاملی از قوم خدا هست. شما درکی جمعی از قوم خدا را در هوشع 11 دارید و حالا تبدیل میشه به درکی فردی و شخصی از عیسی. پسر خود را از مصر فرا خواندم. هوشع 1:11 عیسی و قوم اسرائیل با هم برابر میشند. حالا وقتی به متی 1:4 – 11 میرسید عیسی وسوسه را تجربه میکنه.

آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان برد تا در آنجا شیطان او را وسوسه و آزمایش کند. عیسی در آن زمان، برای مدت چهل شبانه روز روزه گرفت. پس در آخر بسیار گرسنه شد. در این حال شیطان به سراغ او آمد و او را وسوسه کرد و گفت: «اگر این سنگها را تبدیل به نان کنی، ثابت خواهی کرد که فرزند خدا هستی.» اما عیسی به او فرمود: «نه، من چنین

نخواهم کرد، زیرا کتاب آسمانی می فرماید نان نمی تواند روح انسان را سیر کند؛ بلکه فقط کلام خداست که می تواند نیاز درونی او را برآورده سازد.» سپس شیطان او را به شهر اورشلیم برد و بر روی بام خانه خدا قرار داد، و به او گفت: «خود را از اینجا بینداز و ثابت کن که فرزند خدا هستی؛ چون کتاب آسمانی می فرماید: خدا فرشتگان خود را خواهد فرستاد تا تو را از خطر حفظ کنند... آنها نخواهند گذاشت که حتی پایت به سنگ بخورد.» عیسی جواب داد: «بلی، ولی همان کتاب نیز می فرماید که خداوند را بی جهت آزمایش مکن.» سپس شیطان او را به قلعه کوه بسیار بلندی برد و تمام ممالک جهان، و شکوه و جلال آنها را به او نشان داد، و گفت: «اگر زانو بزنی و مرا سجد کنی، همه اینها را به تو می بخشم.» عیسی به او گفت: «دور شو ای شیطان! کتاب مقدس می فرماید: فقط خداوند را پرست و تنها از او اطاعت کن.» آنگاه شیطان دور شد و فرشتگان آمدند و عیسی را خدمت کردند.

متی 1:4 - 11

حالا وقتی او وسوسه میشه او سه بار در جاهای مختلف وسوسه شد و در هر بار او یک چیز رو میگه. چی میگه؟ او در هر بار چی میگه؟ او از عهد قدیم آیه ای نقل میکنه او در آیه 4 میگه: اما عیسی به او فرمود: «نه، من چنین نخواهم کرد، زیرا کتاب آسمانی می فرماید نان نمی تواند روح انسان را سیر کند؛ بلکه فقط کلام خداست که می تواند نیاز درونی او را برآورده سازد.» و او اینو از کجا نقل میکنه؟ از تثیبه 3:8 آری، او شما را در سختی و گرسنگی نگه داشت و بعد به شما «مَن» را داد تا بخورید، غذایی که شما و پدرانتان قبلاً از آن بی اطلاع بودید. او چنین کرد تا به شما بفهماند که زندگی فقط به خوراک نیست، بلکه به اطاعت از کلام خداوند. و بعد میبینیم در آیه 7 میفرماید: عیسی جواب داد: «بلی، ولی همان کتاب نیز می فرماید که خداوند را بی جهت آزمایش مکن.» او اینو از کدام قسمت عهد عتیق نقل میکنه؟ از تثیبه 16:6: *یَهُوَه خدای خود را میازمایید، چنانکه او را در مسأ آزمودید.* و در آیه 10 عیسی میفرماید: *«دور شو ای شیطان! کتاب مقدس می فرماید: فقط خداوند را پرست و تنها از او اطاعت کن.»* این را از کجا نقل میکنه؟ از تثیبه 13:6: *یَهُوَه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور.*

تمامی این نقل قول ها از کتاب تثیبه جایی هست که قوم اسرائیل در بیابان وسوسه شدند. و شکست خوردند. قوم اسرائیل بارها و بارها در بیابان شکست خوردند. تمام عهد عتیق تصویری است از شکست مداوم و پی در پی قوم اسرائیل. از این رو وقتی عیسی به صحنه وارد میشه و وقتی وسوسه میشه از همون جا نقل میکنه و میفرماید من شکست نخواهم خورد. عیسی اسرادیل حقیقی هست او جوهر خلق اسرائیل هست. و وقتی به عنوان یک نوزاد از آسمان به زمین می آد و بزرگ میشه و وارد نبردی با شیطان میشه، مانند یک بازنده تسلیم نمیشه. او در متی 11:4 به عنوان فاتح نبرد از میدان خارج میشه جایی که قوم خدا در تمام طول تاریخ قادر نبودند پیروز بشند. عیسی قادره پیروز بشه او اسرائیل حقیقی

هست. این عالی نیست؟ بسیار خوب او پادشاه هست، پادشاه مسح شده یا مسیح، او خداست، او آدم جدید هست و میدونید که تصویر رفته رفته بهتر هم میشه. وقتی عیسی به مرحله ای میرسه که شاگردانش رو دعوت میکنه، این هم اشاره ای به اسرائیل هست او چند نفر را دعوت میکنه؟ دوازده نفر. خوب اینجا یه تطبیقی وجود داره چون قوم اسرائیل چند طایفه بودند دوازده طایفه. پس شما اینجا تجسمی از اسرائیل میبینید. بعد ابراهیم را به یاد دارید؟ برکت ابراهیمی را در پیدایش 12 به یاد دارید؟ و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خوانند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت. در متی 19:28 - 20 در پایان این تصویر عیسی مسیح او از مردگان قیام میکنه و میفرماید حالا ما میریم و برکت خواهیم بود و شاگردان خواهیم ساخت... در کجا؟ در تمامی قومها. تمامی مردم زمین محبت و جلال پدر مرا خواهند شناخت. این جاییه که اون آیه تحقق پیدا میکنه.

پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس غسل تعمید دهید؛ و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستوراتی را که به شما داده ام، اطاعت کنند. مطمئن باشید هر جا که بروید، حتی دورترین نقطه دنیا باشد، من همیشه همراه شما هستم! متی 19:28 - 20

تجسم و شبیه سازی عیسی با قوم یهود در کتاب متی باور نکردنیه.

مثالهای دیگر:

او رحمت خود را که به اجداد ما وعده داده بود، به یاد آورده و به یاری قوم خود، اسرائیل، آمده است. بلی، او وعده ابدی خود را که به ابراهیم و فرزندان او داده بود، به یاد آورده است. لوقا 1:54 - 55

چنانکه از گذشته های دور، از زبان انبیای مقدس خود وعده می داد که شخصی را خواهد فرستاد تا ما را از چنگ دشمنانمان و از دست همه آنانی که از ما نفرت دارند، رهایی بخشد. خداوند نسبت به نیاکان ما، رحیم و مهربان بوده است. بلی، او عهد و پیمان مقدسی را که با ابراهیم بست، از یاد نبرده و این افتخار را نصیب ما کرده که از دست دشمنانمان رهایی یابیم و بدون ترس و وا همه از آنان، او را عبادت نماییم و تمام روزهای عمر خود را در حضور او با پاکی و عدالت بگذرانیم. لوقا 1:70 - 75

عیسی که پر از روح القدس شده بود، با هدایت همان روح، از رود اردن به بیابانهای یهودیه رفت. در آنجا شیطان برای مدت چهل روز او را وسوسه می کرد. در تمام این مدت، عیسی چیزی نخورد؛ از اینرو در پایان، بسیار گرسنه شد. شیطان به عیسی گفت: "اگر تو فرزند خدا هستی، به این سنگ بگو تانان شود!" عیسی در جواب فرمود: "در کتاب

آسمانی نوشته شده است که نیاز انسان در زندگی، فقط نان نیست. ” سپس شیطان او را به قلعه کوهی برد و در یک آن، تمام ممالک جهان را به او نشان داد، و گفت: ” اگر فقط زانو بزنی و مرا سجده کنی، تمام این مملکتها را با شکوه و جلالشان، به تو خواهم بخشید؛ چون همه آنها از آن من است و به هر که بخواهم واگذار می کنم. ” عیسی جواب داد: ” در کتاب آسمانی آمده که انسان باید فقط و فقط خدا را بپرستد! ” آنگاه شیطان از آنجا او را به اورشلیم برد و بر مرتفع ترین نقطه خانه خدا قرار داد و گفت: ” اگر فرزند خدا هستی، خود را از اینجا به زیر بینداز، چون در کتاب آسمانی آمده که خدا فرشته های خود را خواهد فرستاد تا تو را محافظت کنند و در دستهای خود نگاه دارند که پایت به سنگی نخورد! ” عیسی در جواب فرمود: ” کتاب آسمانی این را نیز می فرماید که خداوند خود را آزمایش مکن! ” وقتی شیطان تمام وسوسه های خود را به پایان رسانید، تا مدتی عیسی را رها کرد. لوقا

1:4 - 13

خوب کمی هم بریم سراغ کتاب یوحنا. در یوحنا 1:29 یوحنا از عیسی به عنوان بره فصح یاد میکند. او بره فصح هست.

روز بعد، یحیی، عیسی را دید که بسوی او می آید. پس به مردم گفت: نگاه کنید! این همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود. یوحنا 1:29 حالا کتاب مکاشفه را کی نوشته؟ کسی یادش میاد؟ یوحنا. مکاشفه 5 تصویر باشکوهیه که مطالعه خواهیم کرد. تصویر شیریه که وقتی به زمین آمد، بره بود. این تشبیه سازی حیرت انگیزیه. بره - بره فصح. در خروج خون اون رو بر باهو ها می پاشیدند. بره آمده است. وقتی با خون او پوشیده بشید در مقابل خدا درستکار شمرده میشید. بره خدا که گناهان چه کسی را بر خود گرفت؟ یادتون میاد که یوحنا بر چی تأکید کرده؟ او خطاب به دنیا مینویسه. بره گناهان دنیا رو بر خود گرفت. تمامی مردم از جمله من، تمام مردم در سر تا سر تاریخ خلقت. وقتی به او اعتماد می کنید خون او گناهان زندگی شما رو می پوشونه. این تصویر عیسی در یوحنا هست، او بره فصح هست. بعد او کلام خدا هست. عیسی کلام خداست،

یوحنا 1:1 - 3

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. چرا بر کلمه تأکید شده؟ خوب «در ابتدا» شبیه این عبارت را در کدام کتاب دیدیم؟ در پیدایش باب 1 - در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید. در سراسر کتاب پیدایش 1 و 2 در داستان آفرینش بارها و بارها میبینیم. عالم خلقت چطور به وجود آمد؟ با کلام خدا. خدا این را گفت: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد. خدا این را گفت و انجام شد، این را گفت و شد. بارها و بارها در پیدایش 1 و 2 قدرت کلام خدا را میبینید. وقتی به یوحنا میرسیم میبینیم که او به همون ابتدا اشاره کرده در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. حالا خدا در عیسی آشکار

شده. حالا کلمه جسم پوشیده و در میان ما ساکن شده. او کلام خدا هست. میبینیم که این شرح حتی تصویر انبیاء در عهد قدیم هم هست. در سرتاسر عهد قدیم انبیاء سخنگویان کلام خدا بودند. چه کسی بیشتر شایسته هست که سخنگوی کلام خدا باشه؟ منظورم فقط تعالیم عیسی نیست. شخص خود او هست که سخنگوی خدا هست. وقتی به مرقس 14:1 - 15 نگاه میکنید این زمانی هست که عیسی مأموریتش را شروع میکنه.

و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، می‌گفت: وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید. مرقس 14:1 - 15

بعد از اینکه اتفاقی می‌افته او به جلیل میره و خدمتش را شروع میکنه. وقتی یحیی به زندان می‌افته مرقس گذر از دوره خدمت یحیی به دوره خدمت عیسی را نشون میده. یحیی تعمیر دهنده نبی بود. رابط بین عهد قدیم و عهد جدید. و او به زندان افتاده و عیسی در مرقس 1 خدمتش رو شروع کرده. در این تصویر ما شروع به خدمت عیسی را میبینیم.

مثال های دیگر:

”کلمه خدا“ انسان شد و بر روی این زمین و در بین ما زندگی کرد. او لیریز از محبت و بخشش و راستی بود. ما بزرگی و شکوه او را به چشم خود دیدیم، بزرگی و شکوه فرزند بی نظیر پدر آسمانی ما، خدا. یحیی او را به مردم معرفی کرد و گفت: “این همان کسی است که به شما گفتم بعد از من می‌آید و مقامش از من بالاتر است، زیرا پیش از آنکه من باشم، او وجود داشت” لطف بی پایان او به همه ما رسید و برکت در پی برکت نصیب ما شد. خدا احکام خود را توسط موسی به مردم داد، اما راستی و محبت را بوسیله عیسی مسیح عطا فرمود. کسی هرگز خدا را ندیده است؛ اما عیسی، فرزند یگانه خدا، او را دیده است زیرا همواره همراه پدر خود، خدا می‌باشد. او هر آنچه را که ما باید درباره خدا بدانیم، به ما گفته است. یوحنا 14:1 - 18

برای نمونه، موسی سالها پیش فرمود: “خداوند، خدای شما پیامبری مثل من از میان شما و برای شما می‌فرستد. هر چه او می‌گوید با دقت گوش کنید؛ اعمال رسولان 22:3

یهُوَه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید. تثیبه 15:18

که آن را به ما به فراوانی عطا فرمود در هر حکمت و فطانت. چونکه سر اراده خود را به ما شناسانید، برحسب خشنودی خود که در خود عزم نموده بود، برای انتظام کمال زمانها تا همه چیز را خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در مسیح جمع کند، یعنی در او. افسسیان 8:1 - 10

تا دل‌های ایشان تسلی یابد و ایشان در محبت پیوند شده، به دولت یقین فهم تمام و به معرفت سر خدا برسند؛ یعنی سر مسیح که در وی تمامی خزاین حکمت و علم مخفی است.

کولسیان 2:2 – 3

خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طریق‌های مختلف بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر به ما بوساطت پسر خود متکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله او عالمها را آفرید؛ عبرانیان 1:1 – 2

زیرا که ایشان عمداً از این غافل هستند که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به آب قائم گردید. و به این هردو، عالمی که آن وقت بود در آب غرق شده، هلاک گشت. لکن آسمان و زمین الان به همان کلام برای آتش نخیره شده و تا روز داوری و هلاکت، مردم بر دین نگاه داشته شده‌اند. دوم پطرس 5:3 – 7

پس او کلام خدا هست. بعد او خیمه پرستش هست. یوحنا 14:1 ما قبلاً در عهد قدیم در این باره حرف زدیم. کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، عملاً می‌گه خیمه پرستش را به میان ما آورد. در عهد قدیم قبل از اینکه معبد ساخته بشه تعریفی از خیمه پرستش هست، اون خیمه جائیه که حضور پر جلال خدا میاد و در میان قومش ساکن میشه. اون تصویری از عهد قدیم هست و حالا با واقعیت پرشکوه عیسی با ما و در میان ما تابناک تر شده او در میان ما ساکن شده. او نزد ما آمده. او خودش را بر ما ظاهر کرده. او خیمه پرستش هست. و بعد بالاخره او معبد هست. او معبد هست به یوحنا 13:2 – 22 نگاه کنید:

چون عید فصح یهود نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت، و در هیکل، فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت. پس تازیانه‌ای از ریسمان ساخته، همه را از هیکل بیرون نمود، هم گوسفندان و گاووان را، و نقود صرافان را ریخت و تختهای ایشان را واژگون ساخت، و به کبوتر فروشان گفت: “اینها را از اینجا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید” آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است: “غیرت خانه تو مرا خورده است. یوحنا 13:2 – 17 داستان را بخاطر میارید که عیسی داشت معبد را پاکسازی میکرد و میره داخل و همه چی رو واژگون میکنه و به اونها می‌گه:

“اینها را از اینجا بیرون ببرید و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید. و بعد در آیه 17 می‌گه: “آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است: غیرت خانه تو مرا خورده است. یوحنا اینجا از عهد قدیم نقل میکنه اما بعد به این گوش کنید:

” پس یهودیان روی به او آورده، گفتند: “به ما چه علامت می‌نمایی که این کارها را می‌کنی؟” عیسی در جواب ایشان گفت: “این قدس را خراب کنید که در سه روز آن را برپا خواهم نمود.” آنگاه یهودیان گفتند: “در عرض چهل و شش سال این قدس را بنا نموده‌اند؛

آیا تو در سه روز آن را برپا می‌کنی؟ لیکن او درباره قدس جسد خود سخن می‌گفت. پس وقتی که از مردگان برخاست شاگردانش را به‌خاطر آمد که این را بدیشان گفته بود. آنگاه به کتاب و به کلامی که عیسی گفته بود، ایمان آوردند. یوحنا 2:18 – 22

به عبارت دیگر اوها درک کردند بالاخره اینو درک کردند. در سرتاسر عهد قدیم و حتی تا این دوره یهودیان سفر میکردند تا به معبد بیابند و جلال خدا را ببینند. اونا سفر میکردند تا به این مکان بیابند جایی که خدا در بین قومش ساکن بود و خدا رو بپرستند. اینهمه راه را میامدند تا در جایی که حضور خدا در بین قومش ساکن بود با این سیستم استادانه پرستش که حول محور حضور خدا قرار داشت خدا را بپرستند. عیسی میاد و میگه اگه شما میخواهید جلال خدا را ببینید اگه میخواهید با جلال خدا روبرو بشید. مرا ببینید من اینجا هستم. او معبد هست. من معبد جدید هستم. و تازه زمانی که این معبد جدید میمیره و پرده معبد از وسط دو پاره میشه وضع از این هم بهتر میشه. او از مردگان قیام میکنه و به آسمان صعود میکنه و روح قدوسش را میفرسته. پس معبد جانی که جلال خدا در اون ساکنه، ما خواهیم بود. تمامی جلال بر نام او باد! بدنهای ما معبد روح القدس خواهد بود. بنا براین ما با بدنهایمان با غیرت خدا را جلال میدیم. از بدنهایمان در برابر هر وسوسه ای که به سمت ما می آید محافظت میکنیم. چون بدنهای ما مسکن روح القدس هست. جلال خود خدا در ما ساکن هست. او معبد هست. یادتون باشه عیسی قوم خدا را به جایگاه او می آره. امروز عیسی مسیح جایگاه خدا مسکن خدا معبد خدا هست. مردم باید به حضور او بیابند او جایه که جلال خدا در اون ساکن هست. ما اینجا تصویری میبینیم که پادشاهی او به کمال میرسه. این معرفی پادشاه بود.

بعد انتظار پادشاهی رو خواهیم دید. معرفی پادشاه. بیانیه پادشاه.

بیانیه پادشاه – عیسی آمد و چه تعلیمی داد؟ ما دیدیم که او کی هست. و چه چیزی گفت؟ در اون آیاتی که اشاره کردیم دیدیم که همه موضوع مشابهی داشتند. میخوام که به مرقس 1 نگاه کنیم، بیانیه پادشاهی. متی 4:17 هم چیزی کاملاً مشابه چیزی که میخوایم ببینیم میگه: از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» متی 4:17

متی 4:23 – 25 در باره این صحبت میکنه که او چطور در باره پادشاهی موعظه میکنه. به عبارت دیگر بشارت پادشاهی رو میده.

و عیسی در تمام جلیل میگشت و در کنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا میداد. و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت، و جمیع مریضاتی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند، و ایشان را شفا بخشید. و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولیس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اُزْدُن در عقب او روانه شدند. متی 4:23 – 25

میخوام به چیزی که مرقس 14:1 - 15 می‌گه نگاه کنید این همون چیزیه که قبلاً در باره اش صحبت کردیم گذر از دوره خدمت یحیی تعمید دهنده به دوره خدمت مسیح اون می‌گه:

و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، می‌گفت: «وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید.» مرقس 14:1 - 15 پس این پیغامی هست که عیسی شروع به اعلامش کرد. این در واقع همون چیزیه که او در متی چهار اعلام کرد. پادشاهی خدا نزدیک هست. توبه کنید چون پادشاهی خدا نزدیک است. مثال دیگر لوقا 4:43 هست: عیسی به آنان گفت: «لازم است که به شهرهای دیگر نیز بروم و مژده فرا رسیدن ملکوت خدا را به مردم اعلام کنم، زیرا برای همین منظور فرستاده شده‌ام.» ازتون میخوام به این عبارات فکر کنید. بیش از صد مورد اشاره به پادشاهی خدا فقط در اناجیل هست. عمده این اشارات در اناجیل هست. ما اون رو به وضوح در اناجیل می‌بینیم. به لحاظ موضوعی در رسالات در عهد جدید این عبارت بطور خاص بارها آمده ولی این نظر هست که بیش از صد بار در اناجیل اشاره شده. ازتون میخوام به سه عبارتی که در آیه پانزده دیدیم فکر کنید. اولین عبارت اینه «زمان رسیده» یا ملکوت خدا نزدیک است. ماقبلاً یکبار در عهد قدیم اون عبارت را دیدیم. باز هم چند مثال ببینیم در صفتیا 14:3 - 20 یا اشعیا 7:52 - 10

ای اورشلیم با شادی سرود بخوان! ای اسرائیل بانگ شادی برآور! زیرا خداوند مجازات تو را از تو دور کرده و دشمنانت را به عقب رانده است. خود خداوند، پادشاه اسرائیل، در میان توست، پس دیگر بلا تو را نخواهد ترسانید! در آن روز به اورشلیم خواهند گفت: «نترس! قوی باش! زیرا خداوند، خدای تو که در میان توست نجات دهنده ای توانا می‌باشد. او از تو راضی خواهد بود، و تو را دوست خواهد داشت و وجود تو مایه شادی و سرور او خواهد بود.» خداوند می‌فرماید: «به غمهایی که از حسرت عیدهای خود دارید پایان خواهم بخشید و بار این ننگ را از دوشتان برخواهم داشت. تمام کسانی را که به شما ظلم کرده‌اند مجازات خواهم نمود. اشخاص ضعیف و درمانده قوم خود را خلاصی خواهم بخشید و رانده شدگان را که مسخره و رسوا شده‌اند، جمع کرده، سرافراز خواهم نمود. بلی، در آن زمان وقتی شما را جمع نموده، امواتان را پیش چشمانتان به شما بازگردانم، آنگاه در میان تمام مردم جهان سرافراز خواهید شد.» این را خداوند فرموده است.

صفتیا 14:3 - 20

چه زیباست پاهای پیک خوش خبری که از کوهستان می‌آید و خبر صلح و نجات را می‌آورد و به اسرائیل می‌گوید: «خدای تو سلطنت می‌کند!» دیده بانان از شادی با صدای بلند سرود می‌خوانند، زیرا با چشمان خود می‌بینند که خداوند دوباره به اورشلیم باز می‌گردد. ای خرابه‌های اورشلیم با صدای بلند آواز شادمانی سر دهید، زیرا خداوند اورشلیم را آزاد خواهد

ساخت و قوم خود را تسلی خواهد داد. خداوند در برابر چشمان تمام قومها، قدرت مقدس خود را بکار خواهد برد و قوم خود را نجات خواهد داد تا همه آن را ببینند. اشعیا 7:52 - 10 در اشعیا صحبت از خبرهای خوش هست. چه زیباست پاهای پیک خوش خبری که از... و تصویر کلی مربوط به آمدن خدا به میان قوم خودش هست. که او را بلند میکنند و قدرتش را در میان قومش نشون میدهد. بعد عیسی وارد صحنه میشه و میگه ملکوت خدا نزدیک است. اون همینجاست. نه تنها زمان رسیده بلکه ملکوت خدا نزدیک هست. حالا میخوام با هم به لوقا 4 بریم. میخوام اینو ببینید. در ابتدای خدمت عیسی در انجیل لوقا قبلاً گفتیم که در انتهای لوقا 3 او چطور با آدم مربوط شد و در ابتدای لوقا 4 او وسوسه شد. به آیه 14 به بعد نگاه کنید.

آنگاه عیسی، پر از قدرت روح القدس، به ایالت جلیل بازگشت. همه جا گفتگو درباره او بود، و برای موعظه هایش در عبادتگاه های یهود، همه از او تعریف می کردند. وقتی به ناصره، شهری که در آن بزرگ شده بود آمد، طبق عادت همیشگی اش، روز شنبه به عبادتگاه شهر رفت. در حین مراسم، او برخاست تا قسمتی از کلام خدا را برای جماعت بخواند. آنگاه طومار اشعیا نبی را به او دادند. او طومار را باز کرد و آن قسمت را خواند که می فرماید: "روح خداوند بر من است! خداوند مرا برگزیده تا مژده رحمت او را به بینوایان برسانم. او مرا فرستاده است تا رنجیدگان را تسلی بخشم و رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم و مظلومان را آزاد سازم؛ و بشارت دهم که زمان آن فرا رسیده که خداوند انسان را مورد لطف خود قرار دهد." سپس طومار را پیچید و به خادم عبادتگاه سپرد و رو به جمعیت نشست. در حالیکه همه حضار در عبادتگاه، به او چشم دوخته بودند، به ایشان فرمود: "امروز، این نوشته به انجام رسید!" همه کسانی که در آنجا بودند او را تحسین نمودند. آنها تحت تأثیر سخنان فیض بخش او قرار گرفته، از یکدیگر می پرسیدند: "چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ مگر این شخص، همان پسر یوسف نیست؟" عیسی به ایشان فرمود: "شاید می خواهید این ضرب المثل را در حق من بیاورید که ای طیب، خود را شفا بده! و به من بگویید: معجزاتی را که شنیده ایم در کفرناحوم کرده ای، در اینجا، در زادگاه خود نیز انجام بده! اما بدانید که هیچ نبی، در شهر خود مورد احترام نیست! در زمان الیاس نبی، در اسرائیل سه سال و نیم باران نیارید و قحطی سختی پدید آمد. با اینکه در آن زمان، بیوه زنان بسیاری در اسرائیل بودند که نیاز به کمک داشتند، خدا الیاس را به یاری هیچیک از آنان نفرستاد، بلکه او را نزد بیوه زنی غیریهودی از اهالی صرفه صیدون فرستاد. یا الیشع نبی را در نظر بگیرید که نعمان سوری را از جذام شفا داد، در صورتی که در اسرائیل جذامی های بسیاری بودند که احتیاج به شفا داشتند." حضار از این سخنان به خشم آمدند و برخاسته، او را از شهر بیرون کردند و به سرایشی تپه ای که شهرشان بر آن قرار داشت، بردند تا او را از آنجا بیزیر بیندازند. اما عیسی از میان ایشان گذشت و رفت. لوقا 4:14 - 30

او اونجا اشعیا 61 رو نقل میکرد:

روح خداوند بر من است. خداوند مرا برگزیده تا به رنج‌دیدگان بشارت دهم، دل شکستگان را شفا بخشم، به اسیران مژده آزادی دهم و کوران را بینا سازم. او مرا فرستاده تا به قوم او که سوگوارند تسلی دهم و بگویم که زمان رحمت خداوند برای ایشان و روز غضب او برای دشمنانشان فرا رسیده است. من غم مردم ماتم زده اورشلیم را به شادی و سرور، و نوحه آنان را به سرود حمد و ستایش تبدیل خواهم کرد. آنان همچون درختان بدست خداوند کاشته خواهند شد و آنچه را که راست و درست است انجام داده، باعث سرفرازی و ستایش وی خواهند بود. ایشان خرابه‌های قدیمی را بازسازی خواهند کرد و شهرهایی را که از مدتها پیش ویران بوده‌اند آباد خواهند نمود. اشعیا 1:61 - 4

وقتی به لوقا 20:4 میرسید اون میگه، سپس طومار را پیچید و به خادم عبادتگاه سپرد و رو به جمعیت نشست. در حالیکه همه حضار در عبادتگاه، به او چشم دوخته بودند، به ایشان فرمود: "امروز، این نوشته به انجام رسید!" اساساً عیسی میگه اونها آیات خوبی در اشعیا هستند. میخواهید اون ها رو در عمل ببینید؟ اونها امروز به انجام رسیدند. ملکوت خدا که نبوت شده بود اکنون اینجاست. در آیه 22 میگه همه کسانی که در آنجا بودند او را تحسین نمودند. آنها تحت تأثیر سخنان فیض بخش او قرار گرفته بودند، اونها شروع کردند به تطبیق سخنان عیسی و چیزی که در اشعیا نوشته شده بود. اما داستان از این قرار بود که عیسی میگفت: ملکوت خدا همینجاست. زمان فرارسیده. ملکوت خدا نزدیک است. وقتی او از ملکوت صحبت میکنه ما این فرصت رو نداریم که به همه مثالها در اناجیل نگاه کنیم. اما او اساساً از موقعیت مکانی مثل پادشاهی های دنیایی صحبت نمیکرد. وقتی او از پادشاهی یا ملکوت صحبت میکرد اون یک کلمه کلی بود یک موضوع فراگیر در عهد جدید مخصوصاً در اناجیل یعنی اقتدار. پادشاه اقتدار داره. پادشاه یک حکومت داره حق حکومت داره. این چیزیه که در مقاطع مختلف بر اون تأکید شده. پس وقتی اقتدار رو در نظر بگیریم وقتی عیسی داره از ملکوت صحبت میکنه، چیزی که اساساً داره ارزش صحبت میکنه اینه که میگه خدا در شخص مسیح بر روی زمین آمده. خدا در جسم آمده و حکومت میکنه و آماده است حکومتش رو به روشی کاملاً متفاوت بر اساس آنچه در عهد قدیم اتفاق افتاده تأسیس کنه. پس وقتی می بینیم عیسی میگه پادشاهی خدا نزدیک هست پیغام اساسی اینه که خدا بر شما حکومت میکنه. خدا بر شما حکمرانی میکنه آماده باشید. ملکوت خدا نزدیک هست. حالا اونو کاملاً واضح خواهیم دید او میگه پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید. بیانیه پادشاه وقت فرا رسیده ملکوت خدا نزدیک است. توبه کنید و به انجیل ایمان بیارید. ما به این آیات نگاه نکردیم اما متی 12:41 در باره توبه اهالی نینوا صحبت میکنه که بهتر از امروز توبه کردند: در روز داوری، مردم نینوا برضد شما قیام کرده، شما را محکوم خواهند نمود، زیرا

ایشان با شنیدن موعظه یونس توبه کردند، ولی اکنون که شخصی بزرگتر از یونس در اینجا ایستاده است، به او گوش نمی دهید. متی 41:12

لوقا 5:32 و 3:13 و 5:13 اساساً میگویند اگر توبه نکنید هلاک خواهید شد.

من آمده ام تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم، نه آنانی را که خود را عادل و مقدس می پندارند! لوقا 5:32

به هیچ وجه! شما نیز اگر از راه های بد خویش باز نگردید و بسوی خدا بازگشت ننمایید، مانند ایشان هلاک خواهید شد! لوقا 3:13

هرگز! شما نیز اگر توبه نکنید، همگی هلاک خواهید شد! لوقا 5:13

این یک تغییر درونی هست که عیسی از ش صحبت می‌کند. لازم هست که تغییری انجام بگیرد. حکومت خدا اینجاست و لازمه که تحت حکومت خدا قرار بگیرید. یعنی از همه پادشاهی های این دنیا برگردید و تسلیم حکومت او بشوید. پیغام انجیل و پیغام عیسی توبه بود. این فقط یک کلمه نیست که امروزه خیلی متداول هست بلکه این قلب پیغام عیسی بود و شاید عاقلانه این باشه که معنی توبه حقیقی رو دریابیم. معنی توبه چیه چون پادشاهی خدا نزدیک هست؟ ما اونو باهم مطالعه خواهیم کرد. اما پادشاهی آمده ما معرفی او رو دیده ایم. بیانیه او رو دیده ایم و تمام پیش بینی هایی را که منجر به اون شد دیدیم. اما خبر خوش در اینجا تموم همیشه این تازه شروع خبر خوش هست.

ملکوت خدا پیروز شده

اونها فقط چند باب از ابتدای متی مرقس لوقا یا یوحنا بودند بخش دوم از این انجیل پادشاهی فقط این نیست که پادشاهی آمده بلکه اینه که پادشاهی غالب آمده. پادشاهی پیروز شده. قدرت پادشاهی ظاهر شده. از شما میخوام به متی 1:11 - 6 مراجعه کنید میخوام باهم به متی 11 نگاه کنیم این جالبه. کاری که میخوام بکنم اینه که متی 11 را بخونیم و اشعیا 35 را دم دست خواهیم داشت تا رابطه اونها رو با هم ببینیم به متی 2:11 نگاه کنید:

وقتی یحیی در زندان خبر معجزه های عیسی را شنید، دو نفر از شاگردان خود را نزد او فرستاد تا از او پرسند: «ایا تو همان مسیح موعود هستی، یا هنوز باید منتظر آمدن او باشیم؟»

به جای اینکه بگه بله من همونی هستم که باید می آمد میگه:

عیسی در جواب ایشان فرمود: « نزد یحیی بازگردید و آنچه دیدید و شنیدید، برای او بیان کنید که چگونه نابینایان بینا ناشنواها شنوا می گردند، مرده ها زنده می شوند و فقرا پیغام

نجات بخش خدا را می شنوند. سپس به او بگویند: خوشابحال کسی که به من شك نکند. می شوند، لنگ ها راه می روند، جذامی ها شفا می یابند، متی 2:11 - 6

حالا میخوام به آیات 5 و 6 دقیقاً نگاه کنید و بذارید براتون از اشعیا 35 بخونم که نبوتی در باره زمانی هست که اسرائیل نجات خواهد یافت. در اشعیا 5:35 میگه: به آیات 5 و 6 خوب دقت کنید. وقتی او بباید چشمهای کوران را بینا و گوشهای کران را شنوا خواهد ساخت. لنگ مانند آهو جست و خیز خواهد کرد و لال سرود خواهد خواند. به نظرتون آشنا نمیداد؟ تصویر کلی آمدن پادشاهی مسیح اینه که او قدرتش رو نشون خواهد داد. حکومت خدا نه تنها با حرفی که میزنه بلکه با روش زندگیش. بر این مبنا هست که عیسی به یحیی تعمید دهنده میگه اگه میخوای بدونی من واقعاً همون هستم یا نه به کار هایی که میکنم نگاه کن چون هر کاری که میکنم تمثیلی از چیزیه که قدرت پادشاهی رو نشون میده. این هدف من هست. وقتی به این قسمت از اناجیل در عهد جدید میرسیم چیزی که لازمه ببینیم همه این معجزاتی هست که عیسی انجام داده، شکی نیست که او یقیناً این معجزات را بخاطر محبتش به مردم انجام داده، اما دلیل اصلی که اینجا این معجزه و اونجا معجزه دیگری را انجام داده این بوده که در قسمتهای مختلف نشون بده که پادشاهی آمده. اقتدار خدا و حکومت خدا برقرار شده. او حاکمیت خدا را بر انواع چیزهای مختلف نشان میداده. اولاً نشان داد که اقتدار عیسی بر طبیعت حاکم هست. او بر طبیعت تسلط داره. عیسی کسیه که وقتی دوستانش در قایق و در وسط دریاچه بودند و او سوار قایق نشده بود، کافی بود تصمیم بگیره روی آب راه بره تا به قایق دوستانش که در وسط دریاچه در حال حرکت بود برسه، و این کار را انجام میده. او در یوحنا 6 روی آب راه میره.

هنگام غروب، شاگردان عیسی به کنار دریاچه رفتند و به انتظار او نشستند. ولی وقتی دیدند هوا تاریک شد و عیسی از کوه بازنگشت، سوار قایق شدند و به طرف کفرناحوم، که در آنسوی دریاچه بود، حرکت کردند. در همان حال که پارو می زدند و جلو می رفتند، باد شدیدی وزیدن گرفت و دریاچه طوفانی شد. هنوز از ساحل چندان دور نشده بودند که ناگهان در میان ظلمت و طوفان، عیسی را دیدند که روی آب بطرف قایق پیش می آید. همه وحشت کردند. ولی عیسی به ایشان فرمود: "من هستم، نترسید!" وقتی خواستند او را سوار قایق کنند، متوجه شدند که قایق به ساحل رسیده است. یوحنا 6:16 - 21

در مرقس 4 وقتی او با دوستانش در قایق هست. او خوابیده و ناگهان طوفان عظیمی شروع میشه همه وحشت زده میشند و عیسی در خواب عمیقه و دوستانش میرند و او را بیدار میکنند و میگند بیدار شو ممکنه امشب غرق بشیم عیسی چشم هاشو میماله و خمیازه میکشه و بعد دستش را بلند میکنه. چه خوب شد که بهترین شخص ممکن، عیسی در اون لحظه در قایق اونها بود.

غروب آن روز، عیسی به شاگردانش فرمود: "به کناره دیگر دریاچه برویم" پس آن عده ای را که در ساحل گرد آمده بودند، روانه کردند و با همان قایقی که عیسی در آن نشسته بود، به راه افتادند. البته عده ای نیز با قایقهای دیگر همراهشان رفتند. چیزی نگذشت که طوفانی شدید در گرفت. امواج سهمگین، قایق را آنچنان در هم می کوبید که نزدیک بود از آب پر شده، غرق شود. اما عیسی در انتهای قایق آسوده خاطر، سر را بر بالشی گذاشته و خوابیده بود. شاگردان سراسیمه او را بیدار کردند و گفتند: "استاد، استاد، داریم غرق می شویم. اصلا هیچ به فکر ما نیستید؟" او برخاست و به باد و دریا فرمان داد: "آرام شو!" همان لحظه باد از وزیدن باز ایستاد و همه جا آرامی کامل برقرار شد. عیسی به شاگردانش فرمود: "چرا اینقدر ترسیده بودید؟ آیا هنوز هم به من اعتماد ندارید؟" ایشان در حالیکه ترس سراسر وجودشان را فرا گرفته بود، به یکدیگر می گفتند: "این دیگر چگونه انسانی است که حتی باد و دریا هم اطاعتش می کنند!" مرقس 4:35 - 41

عیسی بر طبیعت تسلط دارد.

وقتی گرسنه هستید و فقط اندک غذایی دارید این عیسی است که میتونه به اون غزل برکت بده و اون را به دست شاگردانش بده تا بین بیش از 5000 نفر مردم گرسنه تقسیم کنند. در ابتدای یوحنا 6 این معجزه را میبینیم.

پس از این رویداد، عیسی به آنسوی دریاچه جلیل رفت (دریاچه جلیل به دریاچه طبریه نیز معروف است)، و سیل جمعیت بطرف او سرازیر شد! بیشتر ایشان زانران خانه خدا بودند که به شهر اورشلیم می رفتند تا در مراسم عید پسخ شرکت کنند. هر جا که عیسی می رفت، ایشان نیز بدنبال او می رفتند تا ببینند چطور بیماران را شفا می بخشد. در آن حال، عیسی از تپه ای بالا رفت و شاگردانش دور او نشستند؛ آنگاه مردم را دید که دسته دسته بدنبال او از تپه بالا می آیند. عیسی رو به فیلیپ کرد و پرسید: "فیلیپ، ما از کجا می توانیم نان بخریم و این مردم را سیر کنیم؟" عیسی این سوال را از او کرد تا ببیند عقیده او چیست، چون عیسی خود می دانست چه کند. فیلیپ جواب داد: "خروارها نان لازم است تا بتوانیم این جمعیت را سیر کنیم." یکی از شاگردان عیسی، "اندریاس" برادر شمعون پطرس، گفت: "پسر بچه ای اینجا است که پنج نان جو و دو ماهی دارد. ولی این به چه درد این جمعیت می خورد؟" عیسی فرمود: "بگوئید همه بنشینند." پس تمام جمعیت روی سبزه ها نشستند. فقط مردها در آن جمعیت، پنج هزار تن بودند. آنگاه عیسی نانها را گرفت، خدا را شکر کرد و داد تا بین مردم تقسیم کنند. با ماهیها نیز چنین کرد. مردم آنقدر خوردند تا سیر شدند. سپس، عیسی به شاگردان فرمود: "تکه های باقیمانده را جمع کنید تا چیزی تلف نشود." از همان پس مانده ها دوازده سبد پر شد. وقتی مردم این معجزه بزرگ را دیدند گفتند: "حتماً این همان پیامبری است که ما چشم براهش بوده ایم." یوحنا 1:6 - 14

او بر طبیعت تسلط دارد. ما بارها و بارها میبینیم که او بر طبیعت قدرت و تسلط دارد در مرقس 4 در انتهای داستان آرام کردن طوفان شاگردان حیرت کردند و گفتند: *“این دیگر چگونه انسانی است که حتی باد و دریا هم اطاعتش می کنند! آنها در مرقس 4 ترسیده بودند چرا؟ چون در عهد قدیم فقط یک نفر هست که بر باد و امواج تسلط دارد و او خود خدا هست. این مردان باید در قایق چنان ترسی را تجربه میکردند تا میفهمیدند خدا در قایق همراه آنها هست. یه مطلب هست که میخوام توجه کنید، این مطلب خوبیه چون اگه نکته معجزه را نگیرید این متن میتونه گمراه کننده باشه و بعد ما بریم و بگیم خوب هرگاه ما در زندگی با طوفان مواجه بشیم عیسی اونجاست و به طوفان فرمان خواهد داد. و منو از اون نجات خواهد داد. میدونید ما نمیتونیم به برادران و خواهرانمان که در جفا هستن چنین قولی بدیم. که از زندانی که در اون هستند آزاد خواهند شد. ما در روی زمین نمیتونیم چنی قولی بدیم. بهتون میگم که چه قولی میتونیم بدیم. میتونیم قول بدیم خدایی که بر تمامی طبیعت تسلط دارد در همون زندان همراه اونهاست و با اونها قدم میزنه و اونها تنها نیستند. خدا با اونهاست. این بهترین حقیقتیه که باید به اون بچسبیم. پس اولاً عیسی بر طبیعت تسلط دارد.*

درثانی عیسی بر بیماریها تسلط دارد. بر امراض و بیماریها. مرقس 1:33 تمام اهالی شهر نیز برای تماشا جلو در خانه گرد آمده بودند. قبلاً اشاره کردم که تمامی این آیات از آمدن گروههای مختلف مردم به خانه او صحبت میکنند، همه مردم شهر میآمدند چون او اساساً تمام مردم شهر را شفا میداد. این برای همه فرصت خوبی بود که عیسی به شهر اونها میرفت به یوحنا 9 نگاه کنید. میخوام چیز خیلی جالبی رو ببینید به یوحنا 1:9 - 41 نگاه کنید.

وقتی عیسی از محلی می گذشت، کور مادر زادی را دید. شاگردان از او پرسیدند: *“استاد، این شخص چرا نابینا دنیا آمده است؟ آیا در اثر گناهان خود او بوده است یا در نتیجه گناهان پدر و مادرش؟” عیسی جواب داد: “هیچکدام. علت آنست که خدا می خواهد قدرت شفا بخش خود را اکنون از طریق او نشان دهد. تا فرصت باقیست من باید وظیفه ای را که فرستنده من به عهده من گذاشته است انجام دهیم، زیرا وقت کمی تا شب باقی مانده و در آن نمی توان کاری انجام داد. من تا وقتی در این جهان هستم، به آن نور می بخشم!”* آنگاه آب دهان بر زمین انداخت و با آن گل درست کرد و به چشمان کور مالید، و به او فرمود: *“به حوض سیلوحا برو و چشمات را بشوی.”* (سیلوحا به زبان عبری به معنی *“فرستاده”* می باشد.) آن کور نیز رفت، و چشمان خود را در آن حوض شست و بینا بازگشت. همسایه ها و کسانی که او را بعنوان فقیری نابینا می شناختند، از یکدیگر پرسیدند: *“آیا این همان گدای کور است؟” بعضی گفتند همانست و بعضی دیگر گفتند: “نه، غیر ممکن است که او باشد. اما شباهت زیادی به او دارد.”* مرد فقیر گفت: *“من همانم.”* از او پرسیدند: *“پس چه شد که بینا شدی؟” گفت: “شخصی که مردم او را عیسی می خوانند،*

گل درست کرد، به چشمانم مالید و گفت که به حوض سیلوحا بروم و گل را از چشمانم بشویم . من نیز رفتم و شستم و بینا شدم . پرسیدند: "او حالا کجاست ؟" جواب داد: "نمی دانم ." پس او را نزد فریسیان بردند. عیسی این کور را روز شنبه شفا داده بود. فریسیان جریان را از او پرسیدند. او نیز گفت که عیسی گل درست کرد، به چشمانش مالید و وقتی شست ، بینا شد. بعضی از ایشان گفتند: "اگر چنین باشد، عیسی از جانب خدا نیست ، زیرا در روز عبادت و استراحت کار می کند." دیگران گفتند: "ولی چگونه یک شخص گناهکار می تواند چنین معجزه ای بکند؟" پس بین ایشان اختلاف افتاد. آنگاه فریسی ها بازگشتند و به آن مردی که قبلا کور بود، گفتند: "تو خودت چه می گویی؟ این شخص که چشمانت را باز کرد، کیست ؟" جواب داد: "بنظر من باید پیامبری از طرف خدا باشد." سران قوم که نمی خواستند باور کنند که او کور بوده است ، پدر و مادرش را خواستند. از ایشان پرسیدند: "این پسر شماست؟ آیا درست است که کور بد دنیا آمده است؟ در اینصورت چطور چشمانش باز شد؟" پدر و مادر جواب دادند: "بلی ، این پسر ماست و کور هم بد دنیا آمده است . ولی نه می دانیم چطور چشمانش باز شد و نه می دانیم چه کسی این کار را برایش کرده است . از خودش پیروید، چون بالغ است و می تواند همه چیز را بگوید." پدر و مادر او از ترس سران قوم یهود چنین گفتند، چون ایشان اعلام کرده بودند که هر که بگوید عیسی همان مسیح است ، او را از تمام مزایای جامعه محروم خواهند کرد. فریسی ها دوباره او را خواستند و گفتند: "خدا را تمجید کن نه عیسی را، چون ما خوب می دانیم که عیسی آدم شیادی است ." جواب داد: "من نمی دانم که او خوب است یا بد. فقط می دانم که کور بودم و بینا شدم!" از او پرسیدند: "خوب ، عیسی با تو چه کرد؟ چطور چشمانت را باز کرد؟" جواب داد: "من یک بار به شما گفتم ، مگر نشنیدید؟ چرا می خواهید دوباره تعریف کنم؟ آیا شما هم می خواهید شاگرد او بشوید؟" فریسی ها او را دشنام داده ، گفتند: "تو خودت شاگرد او هستی . ما شاگردان موسی می باشیم. ما می دانیم که خدا با موسی رودر رو سخن می گفت . اما درباره این شخص ، هیچ چیز نمی دانیم ." جواب داد: "این خیلی عجیب است که او می تواند کوری را بینا کند و شما درباره او هیچ چیز نمی دانید؟ همه می دانند که خدا به دعای اشخاص شیاد گوش نمی دهد، بلکه دعای کسی را می شنود که خداپرست باشد و اراده او را انجام دهد. از آغاز جهان تا بحال هیچوقت کسی پیدا نشده که بتواند چشمان کور مادرزاد را باز کند. اگر این شخص از طرف خدا نبود، چگونه می توانست چنین کاری بکند؟" ایشان فریاد زدند: "ای حرامزاده لعنتی ، تو می خواهی به ما درس بدهی ؟" پس او را بیرون کردند. وقتی این خبر به گوش عیسی رسید، او را پیدا کرد و فرمود: "آیا تو به مسیح ایمان داری ؟" جواب داد: "آقا، بگویند مسیح کیست ، چون می خواهم به او ایمان بیاورم ." عیسی فرمود: "تو او را دیده ای و هم اکنون با تو سخن می گوید." گفت : "بلی ای خداوند، ایمان آوردم ." و عیسی را پرستش کرد. عیسی به او فرمود: "من به این جهان آمده ام تا چشمان دل آنانی را که در باطن کورند باز کنم و به آنانی که تصور می کنند بینا هستند، نشان دهم که کورند." بعضی از فریسیان که آنجا بودند، گفتند: "آیا منظورت اینست که ما کوریم ؟" عیسی جواب داد: "اگر

کور بودید، تقصیر نمی داشتید؛ ولی شما مقصر باقی می مانید، چون ادعا می کنید که چشم دارید و همه چیز را می بینید." یوحنا 1:9 - 41

اینجا عیسی رو میبینید و یک مردی که کور مادر زاد هست این داستان یکی از محبوبترین داستانهای کتاب مقدس برای منه عیسی اینجا داره از این صحبت میکنه که او نور جهان هست. و مردم از این بحث میکنند که این مرد چرا کور شده آیا بخاطر گناهان والدینش هست یا بخاطر گناهی که خودش مرتکب شده یا کس دیگه ای باعث شده که او کور بشه آیا او را به شدت کتک زدند و در اینجا عیسی وارد صحنه میشه و به اونها میگه که من نور این جهان هستم. در آیه 6 بعد از اینکه میگه من نور جهانم آب دهانش را بر روی زمین می اندازه ... آب دهان بر زمین انداخت و با آن گل درست کرد و به چشمان کور مالید. این تا حدی غیر عادیه یعنی گاهی ما دوست داریم عهد جدید را زرق و برق دار ببینیم. این تا حدی غیر عادیه که ببینیم عیسی تف میکنه و با آب دهانش گل میسازه و به چشمان این مرد میماله اما ناگهان او میبینه. خوب رهبران مذهبی خیلی ناراحت شدند و چیزی که میخوام ببینید و دورش یا زیرش خط بکشید این کلمات متفاوت هست. یکی اش را در ابتدای پرسش مردم از او میبینید به آیه 10 نگاه کنید. در یوحنا 10:9 از او میپرسند؛ "پس چه شد که بینا شدی؟" گفت: "شخصی که مردم او را عیسی می خوانند، گل درست کرد، به چشمام مالید. بعد در ادامه به آیه 16 میرسید و این مرد تقریباً از سنوالات دیگران به ستوه آمده بعضی ها میپرسند ولی چگونه یک شخص گناهکار می تواند چنین معجزه ای بکند؟" به کلمه چگونه در وسط آیه 16 دوباره توجه کنید بعد به انتهای آیه 19 میرسید از والدین او میپرسند "این پسر شماست؟ آیا درست است که کور بدنیا آمده است؟ و بعد باز همون کلمه تکرار میشه: در اینصورت چطور چشمانش باز شد؟" و پدر مادر میگند از خودش پرسید از او پرسیدند: "خوب، عیسی با تو چه کرد؟ چطور چشمانت را باز کرد؟" جواب داد: "من یک بار به شما گفتم، مگر نشنیدید؟ چرا می خواهید دوباره تعریف کنم؟ آیا شما هم می خواهید شاگرد او بشوید؟ آیا این جواب خارق العاده ای نیست؟ اگه میخواید باور کنید، خوب باور کنید اما من نمیدونم چطور. چطور؟ اونها همه اش میپرسیدند چگونه؟ چه شد؟ چطور؟ بعد به آخر داستان میرسید و عیسی با این مرد که شفا یافته مواجه میشه در آیه 36 او نمیپرسه چطور؟ او چی میپرسه؟ او میپرسه: "آقا، بگوئید مسیح کیست، چون می خواهم به او ایمان بیاورم." عیسی فرمود: "تو او را دیده ای و هم اکنون با تو سخن می گوید." گفت: "بلی ای خداوند، ایمان آوردم." و عیسی را پرستش کرد. سنوال در آیه 36 تغییر میکنه هدف از معجزات عیسی این نیست که نشون بده چطور؟ چطور این یا اون معجزه انجام یافت بلکه هدف اینه که نشون بده او کی هست؟ و این مرد به اون نتیجه رسید و درک کرد. به این دلیل که ما بارها و بارها در انجیل معجزات رو میبینیم که بما شرحی از پادشاهی میده که در بین مردم بود و حکومت میکرد. عیسی بر طبیعت تسلط داره، بر بیماریها تسلط داره و بر ارواح شریر تسلط داره. این یکی خیلی عالی به متی 12 مراجعه کنید ما آشکارا میبینیم که در جایی دیگه

عیسی مردم رو از دیو زدگی شفا میبخشه. میبینیم که ارواح پلید وارد خوکهها میشوند. این صحنه همیشه جالب بوده. به هر حال ازتون میخوام به آیه 24 نگاه کنید اونجا که عیسی با یک فریسی در مورد ارواح شریری که رانده شده اند صحبت میکنه ازتون میخوام توجه کنید که او چی گفته. متی 24:12 - 26

ولی هنگامی که خبر این معجزه به گوش فریسیان رسید، گفتند: «عیسی به این دلیل می تواند ارواح ناپاک را از مردم بیرون کند زیرا خودش شیطان و رئیس دیوهاست.» عیسی که فکر ایشان را درک می کرد، فرمود: «هر حکومتی که به دسته های مخالف تقسیم شود، نابودی آن حتمی است؛ و همچنین، شهر یا خانه ای که در آن تفرقه باشد، برقرار نخواهد ماند. حال چگونه ممکن است شیطان بخواد شیطان را بیرون کند؟ زیرا این کار باعث نابودی حکومتش خواهد شد. حالا به دو آیه بعدی توج فرمائید آیات 27 و 28

اگر شما معتقدید که من با نیروی شیطانی ارواح ناپاک را بیرون می کنم، پس هم مسلکان شما با چه نیرویی آنها را بیرون می کنند؟ آنان خودشان جواب این تهمت شما را می دهند. ولی اگر من بوسیله روح خدا، ارواح ناپاک را بیرون می کنم، پس بدانید که ملکوت خداوند در میان شما آغاز شده است. در اینجا میبینید که پادشاهی شرح خدا داده شده. و بعد به آیه 29 میرسید.

کسی نمی تواند حکومت را از چنگ شیطان بیرون بکشد، مگر اینکه نخست او را ببندد. فقط در این صورت می شود روح های شیطانی را بیرون کرد. چیزی که ما در این داستان از عیسی میبینیم اینه که او میگه وقتی من دیو ها را اخراج میکنم اقتدار و تسلطم را بر شیطان نشان میدم و تسلطم را بر اون دیو ها نشون میدم. این چیزیه که او بارها و بارها در اخراج ارواح شریر از این دیو زده ها نشون میده هر بار که او دیوی را اخراج میکنه پیغام را فراموش نکنید او میگه من به تمام نیرو های روحانی در این دنیا تسلط دارم. تصویر کلی آیه 29 اینه که اگه شما بخواید خانه مرد قدرتمندی را غارت کنید اولین کاری که باید بکنید چیه؟ باید اون مرد قدرتمند را ببندید و عیسی میگه من آمده ام که یک کار بکنم. من مرد قدرتمند رو میبندم چونگه شیطان هیچ قدرتی بر من نداره. من پادشاهم. و او را خواهم بست. او مصلوب میشه و بر گناه غلبه میکنه. او مرد قدرتمند را می بنده. حالا گناه هنوز هم در زندگی های ما حضور داره؟ آیا هنوز با گناه در کشمکش هستیم؟ آیا در طول عهد جدید کشمکش با گناه وجود داره؟ بله ولی بسته شده و روزی خواهد رسید که گناه به کلی نابود خواهد شد. تمامی این دیو زده ها، دیو هایی که اخراج شده اند منتظر روزی هستند که پادشاهی تکمیل خواهد شد. پس یادآوری میکنم با هر گناهی که ما با اون در کشمکش هستیم و چیزهایی که بنظر میرسه نمیتونید ازشون خلاص بشید و دشمن مرتباً میگه شما نمیتونید بر اون غلبه کنید، به او یادآوری کنید که او بسته شده. مرد قدرتمند بسته شده و عیسی

مسیح بر تمام قدرتهای روحانی این جهان حاکم هست و تسلط داره او پادشاهی هست که آمده و در بین ماست.

مثال های دیگر:

به این ترتیب به آنطرف دریاچه ، به سرزمین جدری ها رسیدند. هنگامی که عیسی پا به ساحل می گذاشت ، شخصی که گرفتار روح ناپاک بود از قبرستان بیرون آمد و بسوی او دوید. این مرد همیشه در قبرستان بسر می برد، و هیچکس نمی توانست حتی با زنجیر نیز او را ببندد، چون بارها او را به زنجیر کشیده و دست و پایش را نیز در کنده بسته بودند، ولی زنجیرها را پاره کرده و کنده ها را هم شکسته بود. او بقدری نیرومند بود که کسی نمی توانست او را رام کند. روز و شب در کوهستان و قبرستان نعره می کشید و خود را به سنگهای تیز می زد و زخمی می کرد. وقتی عیسی را از دور دید، دوان دوان خود را به او رساند و در مقابلش به خاک افتاد. عیسی به روح ناپاک که در آن مرد بود فرمان داد: "ای روح ناپاک از این مرد خارج شو!" روح ناپاک از دهان آن مرد فریادی بلند برآورد و گفت: "ای عیسی ، ای فرزند خدای متعال ، برای چه به سراغ ما آمده ای ؟ ترا بخدا مرا عذاب نده !" عیسی از او پرسید: "نام تو چیست ؟" روح ناپاک از زبان مرد جواب داد: "نام من قشون است ، چون ما عده زیادی هستیم که داخل این مرد شده ایم ." ارواح پلید شروع به خواهش و تمنا کردند که از آن سرزمین بیرونشان نکند. اتفاقاً یک گله خوک در بلندی کنار دریاچه می چریدند. پس ارواح پلید از او استدعا کرده ، گفتند: "ما را داخل خوکها بفرست !" عیسی خواهش آنها را پذیرفت ؛ پس همه روح های ناپاک از آن مرد بیرون آمدند و داخل خوکها شدند و تمام آن گله بزرگ که حدود دوهزار خوک بود، از سرآشویی تپه به دریاچه ریختند و خفه شدند. خوک چرانها به شهر و دهات اطراف فرار کردند و به هر جا که می رسیدند، به مردم خبر می دادند، مردم با عجله می آمدند تا ماجرا را ببینند. طولی نکشید که عده زیادی دور عیسی جمع شدند. ولی وقتی آن دیوانه را که روح ناپاک داشت ، دیدند که آرام نشسته ، لباسی پوشیده و کاملاً عاقل شده است ، ترسیدند. کسانی که به چشم خود دیده بودند چه اتفاقی افتاده بود، آن را برای همه تعریف می کردند، بطوری که چیزی نگذشت که جمعیت بزرگی جمع شدند و از عیسی خواهش کردند که از سرزمینشان برود و دیگر کاری به کارشان نداشته باشد. عیسی نیز بسوی قایق بازگشت تا آنجا را ترک گوید، ولی آن مردی که شفا یافته بود از او خواهش کرد تا او را نیز همراه خود ببرد. ولی عیسی خواهش او را نپذیرفت و به او فرمود: "به خانه ات برگرد و به اقوام و آشنایانت بگو که خدا برای تو چه کرده و چگونه لطف او شامل حال تو شده است ." او نیز روانه شد و در تمام سرزمین دکاپولیس برای همه بازگو می کرد که عیسی چه کار بزرگی برایش انجام داده ، و همه از شنیدن آن مبهوت می شدند. مرقس 1:5 - 20

روز بعد، وقتی از تپه پایین می آمدند، با جمعیت بزرگی روبرو شدند. ناگهان مردی از میان جمعیت فریاد زد: "استاد، التماس می کنم بر پسر من، که تنها فرزندم است، نظر لطف بیندازی، چون یک روح پلید مرتب داخل وجود او می شود و او را به فریاد کشیدن وامی دارد. روح پلید او را متشنج می کند، بطوری که از دهانش کف بیرون می آید. او همیشه به پسر من حمله می کند و به سختی او را رها می سازد. از شاگردانت درخواست کردم که این روح را از وجود پسر من بیرون کنند، اما نتوانستند." عیسی فرمود: "شما مردم این زمانه، چقدر سرسخت و بی ایمان هستید! تا کی این وضع را تحمل کنم؟ پسر را نزد من بیاورید!" در همان هنگام که پسر را می آوردند، روح پلید او را تکان سختی داد و بر زمین زد. پسر می غلطید و دهانش کف می کرد. اما عیسی به روح پلید دستور داد که بیرون بیاید. به این ترتیب آن پسر را شفا بخشید و به پدرش سپرد. مردم همه از قدرت خدا شگفت زده شده بودند. در همان حال که همه با حیرت از کارهای عجیب عیسی تعریف می کردند، لوقا 9:37 - 43

عیسی بر رنج ها اقتدار دارد، او بر رنج ها تسلط دارد مرقس 5:25 - 34

در میان آن جمعیت، زنی بود که مدت دوازده سال خونریزی داشت. با اینکه برای معالجه، به پزشکان بسیاری مراجعه کرده بود و برای این کار تمام دارایی اش را نیز از دست داده بود، ولی هیچ نتیجه ای نگرفته بود بلکه برعکس رفته رفته بدتر هم شده بود. ولی او شنیده بود که عیسی بیماران را شفا می بخشد. به همین دلیل، خود را از میان مردم به پشت سر عیسی رساند و به لباسش دست زد، چون با خود گفته بود که "اگر فقط دستم به لباسش برسد، شفا پیدا می کنم." پس همین کار را کرد و خونریزی اش قطع شد و خود نیز متوجه شد که شفا یافته است. عیسی نیز فوراً احساس کرد که از وجودش نیرویی خارج شد. پس به اطراف نگاهی کرد و پرسید: "چه کسی به لباس من دست زد؟" شاگردانش با تعجب به او گفتند: "می بینی که از همه طرف به شما فشار می آورند، و می پرسید چه کسی به شما دست زد؟" ولی عیسی همچنان به اطراف نگاه می کرد تا کسی را که به لباسش دست زده بود پیدا کند. آن زن که آگاه بود چه اتفاقی برایش افتاده، با ترس و لرز پیش آمد و در مقابل پایهای عیسی به زمین افتاد و گفت که چه کرده است. عیسی به او فرمود: "دخترم، ایمانت تو را شفا داده! سلامت برو و همیشه سالم باش!" در انتهای آیه 34 میگوید "دخترم، ایمانت تو را شفا داده! سلامت برو و همیشه سالم باش! از رنجهایت آزاد شو جمله ای باور نکردنیه اگرچه این دنیا رنجهایی بر ما تحمیل میکنه با این حال عیسی سلامتی و شفا را برای ما به ارمغان میاره. عیسی بر رنج ها تسلط دارد.

عیسی بر گناهان تسلط دارد در مرقس 1:2 - 11 وقتی عیسی کسی رو شفا میده در عین حال اعلام میکنه که قدرت داره گناهان او را ببخشه.

پس از چند روز، عیسی به کفرناحوم بازگشت و خبر ورود او فوری در شهر پیچید. طولی نکشید که خانه ای که عیسی در آن بود پر شد، بطوری که حتی بیرون خانه نیز جای ایستادن نبود. در آن حال، او پیام خدا را برای مردم بیان می کرد. در همین هنگام، چهار نفر آمدند و مرد افلیجی را بر تختی آوردند. ولی نتوانستند خود را از لابلای جمعیت به عیسی برسانند. پس به پشت بام رفتند و سقف بالای سر عیسی را برداشتند و افلیج را با تختش در مقابل پایهای او پایین فرستادند. وقتی عیسی دید که چقدر ایمانشان به او قوی است، به آن افلیج فرمود: "پسرم گناهانت بخشیده شد!" بعضی از علمای مذهبی که در آنجا نشسته بودند، پیش خود فکر کردند: "عجب کفری! مگر او خداست که چنین چیزی می گوید؟ غیر از خدای یگانه چه کسی می تواند گناهان انسان را ببخشد." عیسی همان لحظه در خود درک کرد که چه فکر می کنند. پس رو به ایشان کرده، فرمود: "چرا از این موضوع در اندیشه اید؟ آیا فکر می کنید بخشیدن گناهان انسان، از شفا دادن مرضش سختتر است؟ حال ثابت می کنم که سخن بیجایی نگفته ام، بلکه واقعاً اختیار و توانایی بخشیدن گناه بشر را دارم." آنگاه رو به افلیج کرد و به او فرمود: "تو شفا یافته ای. بسترت را جمع کن و به خانه ات برو!"

یه جای بین آیات 6 و 7 و مرقس 2 علمای دینی فکر میکنند چه کسی باعث شده این مرد فکر کنه قدرت داره گناهان رو ببخشه، فقط خدا میتونه این کار رو بکنه. این متنی هست که سی اس لوئیس میگه بیشترین تأثیر را در ایمان آوردن او به مسیح داشته. زیرا شاهی که چنین ادعایی بکنه که قدرت داره گناهان را ببخشه این الوهیت او را نشون میده. عیسی بر گناه تسلط و اقتدار داره. و بالاخره عیسی بر مرگ اقتدار داره. او بر مرگ تسلط داره در مرقس 37:5 - 43 دختری هست که مرده. عیسی شنیده بود که او مریض هست و به موقع اونجا نرسید و او مرده بود و گفتند که دیگه نیازی نیست که بیایید و او میگه میخواهید من پیام؟ پس با چند نفری وارد اطاق میشه و دختر را زنده میکنه.

این را گفت و اجازه نداد غیر از پطرس، یعقوب و یوحنا کسی دیگر همراهش به خانه یایروس برود. وقتی به خانه یایروس رسیدند، دیدند عده ای پریشان حال، باصدای بلند شیون و زاری می کنند. عیسی داخل شد و به ایشان فرمود: "چرا گریه و زاری راه انداخته اید؟ دختر نمرده، خوابیده است." مردم با شنیدن این سخن، خنده تلخی کرده، او را مسخره نمودند؛ ولی عیسی همه را بیرون کرد و با پدر و مادر و آن سه شاگرد، وارد اطاقی شد که دختر در آن آرامیده بود. عیسی دستش را گرفت و فرمود: "دخترم، بلند شو!" آن دختر که دوازده سال بیشتر نداشت، فوری برخاست و شروع به راه رفتن کرد. پدر و مادرش با دیدن این معجزه، غرق در حیرت و شگفتی شدند. عیسی با تأکید بسیار به ایشان فرمود تا ماجرا را به کسی نگویند و گفت که به دختر غذا دهند. مرقس 37:5 - 43

بعد به یوحنا 38:11 - 45 برید و دوست او ایلعازر را ببینید. به نظر اونها او به موقع اونجا نرسیده و بعد او میره و به ایلعازر میگه: ایلعازر برخیز و بیرون بیا.

پس عیسی در حالیکه از دل آه می کشید به سر قبر آمد. قبر غاری بود که سنگی جلوی آن گذاشته بودند. عیسی گفت: «سنگ را بردارید.» مرتا خواهر ایلعازر گفت: «خداوند، الان چنار روز از مرگ او می گذرد و متعفن شده است.» عیسی به او گفت: «آیا بتو نگفتم که اگر ایمان داشته باشی جلال خدا را خواهی دید؟» پس سنگ را از جلوی قبر برداشتند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت: «ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیده ای. من می دانستم که تو همیشه سخن مرا میشنوی ولی به خاطر کسانی که اینجا ایستاده اند این را گفتم تا آنجا ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده ای.» پس از این سخنان، عیسی با صدای بلند فریاد زد: «ای ایلعازر، بیرون بیا» آن مرده، در حالیکه دستش و پاهایش با کفن بسته شده و صورتش با دستمالی پوشیده بود، بیرون آمد. عیسی به آنجا گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.» بسیاری از یهودیانی که برای دیدن مریم آمده بودند، وقتی آنچه را عیسی انجام داد مشاهده کردند، به او ایمان آوردند. یوحنا 38:11 - 45

شما تصویر اقتدار او بر مرگ را در این متن میبینید. حالا او بر تمام این چیزهای مختلف تسلط دارد میبینید که چطور پادشاهی تصویری از اقتدار و حکومت هست. حاکمیت و سلطنت، و عیسی اینجا حاکمیت خدا را به ما نشان میدهد.

حالا مشکل زمانی هست که به آخرین مطلب میرسید. قدرت پادشاهی ظاهر شده اما حالا قدرت پادشاهی مورد تردید قرار میگیرد. منظورم از این تراژدی غیر قابل پیش بینی صلیب هست. چونکه عیسی میگوید من رنج خواهم کشید. تسلیم خواهم شد. و خواهم مرد. بارها و بارها این رو میگفت و اگرچه ما گاهی پطرس را سرزنش میکنیم اما به هر حال منطقی بود که پطرس عیسی رو به کناری بکشد و بگه اینطوری نباید پادشاهی را رها کنی. با رفتن بر روی صلیب رومیان پادشاهی را رها نکن. هنوز نظر این بود که پادشاهی غلبه میکنه و تصویر شاهی رو نشون میده که به مرکز نبرد میره به سرچشمه اصلی جنگ میره و وارد قلب اون میشه، پادشاه ما غلبه میکنه توسط صلیب غلبه میکنه. به این دلیل که کلیساها در جفاها توسعه پیدا میکنند چونکه پادشاه بوسیله صلیب غلبه کرد. او میدونه چطور چیزی را که دنیا از اون قصد بدی داره بگیره و همون را در نهایت تبدیل به نیکویی کنه. این بر خلاف انتظار هست. مرقس 31:8 تا 1:9 تصویری از گفتگوی پطرس را با عیسی بمانده میده و عیسی از رنجهای پادشاهی صحبت میکنه.

آنگاه عیسی به تعلیم ایشان پرداخت و گفت: «لازم است پسر انسان متحمل رنج های زیادی شده و بوسیله رهبران و سران کاهنان و ملایان یهود طرد و کشته شود و پس از سه روز زنده گردد.» عیسی این موضوع را بسیار صریح گفت بطوریکه پطرس او را به گوشه ای برده ملامت کرد. اما عیسی برگشت و به شاگردان نگاهی کرد و با پرخاش به پطرس گفت: «از من دور شو، ای شیطان، افکار تو افکار انسانی است نه خدائی.» پس عیسی مردم و همچنین شاگردانش را پیش خود خواند و به ایشان فرمود: «اگر کسی بخواهد از من پیروی

کند، باید خود را فراموش کرده و صلیب خود را بردارد و بدنبال من بیاید. زیرا هر که بخواهد جان خود را حفظ کند آنرا از دست خواهد داد، اما هر که بخاطر من و انجیل جان خود را فدا کند آنرا نجات خواهد داد. چه سود دارد که آدم تمام جهان را ببرد اما جان خود را ببازد؟ و انسان چه می‌تواند بدهد تا جان خود را باز یابد؟ بنابراین این هر که از من و سخنان من در این زمانه گناه آلود و فاسد عار داشته باشد، پسر انسان هم در وقتیکه در جلال پدر خود با فرشتگان مقدس می‌آید از او عار خواهد داشت.» او همچنین فرمود «یقین بدانید که بعضی از کسانی که در اینجا ایستاده‌اند، تا پادشاهی خدا را که با قدرت می‌آید نبینند، نخواهند مرد.» مرقس 31:8 تا 1:9

این یک تراژدی غیر منتظره هست اما تماماً منطقی هست. این واقعه را با تمام چیزهایی که در معرفی پادشاهی دیدیم جمع بندی کنید، او بره فصح هست، او قربانی ای در معبد هست. او کسیه که این امکان را برای ما فراهم می‌کند که به حضور خدا بیاییم او مخصوصاً در مرقس خادم رنج کشیده در اشعیا هست. همه اینها باهم جور درمیاد. هر کدام از انجیل داستان رنج ها و مرگ عیسی را نقل میکنند مرقس این داستان را در مرقس 21:15 - 41 نقل می‌کند.

آنان شخصی را بنام شمعون، اهل قیروان، پدر اسکندر و روفس که از صحرا به شس می‌آمد و از آنجا می‌گذشت مجبور کردند که صلیب عیسی را حمل کند. آن‌ها عیسی را به محلی بنام «جلجتا» که معنی آن «محل کاسه سر است» بردند. باو شرابی دادند که آمیخته به دارویی به نام «مر» بود، اما او آنرا قبول نکرد. پس او را بر صلیب میخ کوب کردند و لباس هایش را بین خود تقسیم نمودند و برای تعیین سس هر یک قرعه انداختند. ساعت نه صبح بود که او را مصلوب کردند. تقصیرنامه ای برایش باین مضمون نوشتند «پادشاه بی‌ویدان» دو نفر راهزن را نیز با او مصلوب کردند - یکی در طرف راست و دیگری را در سمت چپ او. [بدین‌طریق آن کلامی که می‌گوید: از خطاکاران محسوب شد، تحقق یافت.] کسانی که از آنجا می‌گذشتند سرهایشان را تکان می‌دادند و با اهانت به عیسی می‌گفتند «ای کسی که می‌خواستی معبد را خراب کنی و در سه روز بسازی حالا از صلیب پائین بیا و خودت را نجات بده.» همچنین سران کاهنان و ملایان بی‌بود نیز او را مسخره می‌کردند و به یک دیگر می‌گفتند «دیگران را نجات می‌داد امانی تواند خود را نجات دهد. حالا این مسیح، پادشاه اسرائیل، از صلیب پائین بیاید تا ببینیم و به او ایمان بیاوریم.» کسانی هم که با او مصلوب شده بودند به او اهانت می‌کردند.

در وقت ظهر، تاریکی تمام آن سرزمین را فرا گرفت و تا سه ساعت ادامه داشت در ساعت سه بعد از ظهر عیسی با صدای بلند گفت «ایلی، ایلی لئاسبقتی.» یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» بعضی از حاضران وقتی این را شنیدند گفتند «نگاه کنید، او الیاس را صدا می‌کند.» یکی از آن‌ها دوید و اسفنجی را از شراب ترشیده پر کرد و روی نی گذاشت و باو داد تا بنوشد و گفت «بگذارید ببینیم آیا الیاس می‌آید او را پائین بیاورد؟» عیسی فریاد بلندی کشید و جان داد. پرده اندرون مقدس معبد از بالا تا پائین دو تکه شد. سروانی که در مقابل او ایستاده بود وقتی چگونگی مرگ او را دید گفت «حقیقتاً این مرد پسر خدا بود.»

در آنجا عده ای زن هم بودند که از دور نگاه می کردند و در بین آنها مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب کوچک و یوشا و سالومه دیده میشدند. این زنان وقتی عیسی در جلیل بود با او گرویدند و او را کمک می کردند. بسیاری از زنان دیگر نیز همراه او به اورشلیم آمده بودند.

مرقس 21:15 - 41

قدرت پادشاهی در واقعه غیر منتظره صلیب با تردید مواجهه میشه، اما قدرت پادشاهی در پیروزی نهایی در برخاستن از مردگان تجلی میکنه و به دنیا نشان داده میشه.

مثال ها:

شنبه به هر حال گذشت . یکشنبه صبح زود، مریم مجدلیه و آن مریم دیگر به سر قبر رفتند. ناگهان زمین لرزه شدیدی رخ داد، زیرا یکی از فرشتگان خداوند از آسمان پایین آمده ، بسوی سنگ قبر رفت و آن را به کناری افکند و بر آن نشست . صورت فرشته می درخشید و لباسش مثل برف سفید بود. نگهبانان با دیدن او بشدت ترسیده ، لرزان شدند و همچون مرده ، بی حرکت بر زمین افتادند. فرشته به زنان گفت : «نترسید! می دانم به دنبال عیسی مصلوب می گردید؛ او اینجا نیست ! همانطور که خودش گفته بود، زنده شده است . جلو بیایید و جایی که جسد او را گذاشته بودند، به چشم خود ببینید. و حالا زود رفته ، به شاگردانش بگویید که او زنده شده است و به جلیل می رود تا ایشان را در آنجا ببینند. فراموش نکنید این پیغام را به آنان برسانید. » زنان با عجله از قبر خارج شدند و در حالیکه هم می ترسیدند و هم بسیار خوشحال بودند، فوری بسراغ شاگردان رفتند تا پیغام فرشته را به ایشان بدهند. در همان حال که می دویدند، ناگهان عیسی را در مقابل خود دیدند! او گفت : «سلام!» زنها به پایهای او افتادند و او را پرستش کردند. عیسی به ایشان فرمود: «نترسید! بروید به برادران من بگویید که هر چه زودتر به جلیل بروند تا مرا در آنجا ببینند.

« متی 1:28 - 10

عصر روز شنبه ، در پایان روز استراحت ، مریم مجدلیه ، سالومه و مریم مادر یعقوب داروهای معطر خریدند تا مطابق رسم یهود، جسد مرده را با آن معطر سازند. روز بعد که یکشنبه بود، صبح زود پیش از طلوع آفتاب ، دارو را به سر قبر بردند. در بین راه تمام گفتگویشان درباره این بود که چگونه آن سنگ بزرگ را از جلو در قبر جابجا کنند. وقتی بر سر قبر رسیدند، دیدند که سنگ بزرگ جابجا شده و در قبر باز است ! پس داخل قبر که مثل یک غار بود شدند و دیدند فرشته ای با لباس سفید در طرف راست قبر نشسته است . زنان لرزیدند. ولی فرشته به ایشان گفت : «نترسید. مگر بدنبال عیسی ناصری نمی گردید که روی صلیب کشته شد؟ او اینجا نیست . عیسی دوباره زنده شده است ! نگاه کنید، این هم جایی که جسدش را گذاشته بودند! اکنون بروید و به شاگردان او و پطرس مژده دهید که او پیش از شما به جلیل می رود تا شما را در آنجا ببیند، درست همان طور که پیش از مرگ به

شما گفته بود: "زنان پا بفرار گذاشتند و از ترس می لرزیدند بطوریکه نتوانستند با کسی صحبت کنند. مرقس 1:16 - 8

روز یکشنبه صبح زود، وقتی هوا تاریک و روشن بود، مریم مجدلیه به سر قبر آمد و باکمال تعجب دید که سنگ از در قبر کنار رفته است. پس با عجله نزد پطرس و آن شاگردی که عیسی او را دوست می داشت آمد و گفت: "جسد خداوند را از قبر برده اند و معلوم نیست کجا گذاشته اند." پطرس و آن شاگرد دیگر دویدند تا به سر قبر رسیدند. آن شاگرد از پطرس پیش افتاد و زودتر به قبر رسید. او خم شد و نگاه کرد. فقط کفن خالی آنجا بود. دیگر داخل قبر نرفت. سپس شمعون پطرس رسید و داخل قبر شد. او هم فقط کفن خالی را دید، و متوجه شد که پارچه ای که به سر و صورت عیسی پیچیده بودند، همان طور پیچیده و جدا از کفن مانده بود. آنگاه آن شاگرد نیز داخل قبر شد و دید و ایمان آورد که عیسی زنده شده است! چون تا آنوقت آنها هنوز به این حقیقت پی نبرده بودند که کتاب آسمانی می فرماید که او باید زنده شود. یوحنا 1:20 - 9

پیروزی نهایی قیام عیسی مسیح. پادشاه آمده و پادشاه غالب شده!

مجوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق میکنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمایید. یادآوری میکنم که هیچ گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمایید:

By David Platt. © David Platt & Radical.

Website: Radical.net